



به نام خدا



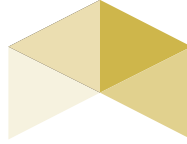
تعامل بخش غیررسمی و  
سازمان تأمین اجتماعی  
رویارویی با پیامدهای منفی و  
بهره‌برداری از پیامدهای مثبت



موسسه پژوهش‌های اجتماعی

اقتصاد و سرمایه‌گذاری





تعامل بخش غیر رسمی و سازمان تأمین اجتماعی  
رویارویی با پیامدهای منفی و بهره‌برداری از پیامدهای مثبت



موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

واژه‌های کلیدی:

بخش غیر رسمی  
پایداری منابع و  
مصارف  
رسمی‌سازی

تهیه و تدوین: فاطمه‌سادات احمدی  
ناظر علمی: سهند ابراهیمی پورفائز

شماره مسلسل: DF ۱۱ EI (۱۶) ۹۵  
تاریخ انتشار گزارش: ۹۵/۷/۱۷



# فهرست مطالب

پیشگفتار مؤسسه ..... ۴

مقدمه ..... ۶

۱

مطالعات داخلی ..... ۱۰

۱-۱- مطالعات داخلی پیرامون اقتصاد غیررسمی ..... ۱۰

۲-۱- مطالعات داخلی پیرامون منابع تأمین اجتماعی ..... ۲۱

۳-۱- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۳۲

۳

مطالعات تجربی و بررسی‌های

تطبیقی ..... ۴۸

۳-۱- سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در ترغیب

پیوستن بخش غیررسمی به صندوق‌های تأمین

اجتماعی ..... ۴۸

۳-۲- نمونه‌هایی از سیاست‌گذاری در کشورهای

موفق ..... ۴۸

۳-۳- سیاست‌های پیشنهادی ..... ۵۴

۳-۱-۳- سیاست‌های تشویقی ..... ۵۴

۳-۲-۳- سیاست‌های تنبیهی ..... ۵۶

۳-۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۵۹

۲

رابطه بخش غیررسمی و صندوق‌های

تأمین اجتماعی ..... ۳۳

۲-۱- تعریف بخش غیررسمی ..... ۳۳

۲-۲- اثرگذاری بخش غیررسمی بر اقتصاد و

اثرپذیری اقتصاد از بخش غیررسمی ..... ۳۷

۲-۲-۱- مهمترین عوامل اثرگذار ..... ۳۷

۲-۲-۲- مهمترین عوامل اثرپذیر ..... ۳۹

۲-۳- منابع تأمین اجتماعی ..... ۴۰

۲-۳-۱- رابطه منابع تأمین اجتماعی و بخش

غیررسمی ..... ۴۴

۲-۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۴۷



منابع ..... ۶۱



## پیشگفتار مؤسسه

سازمان تأمین اجتماعی در حال حاضر با چالش‌های متعددی روبرو است؛ از جمله این چالش‌ها می‌توان به کاهش نسبت پشتیبانی و پیری جمعیت اشاره کرد. بیش از ۸۰ درصد منابع سازمان تأمین اجتماعی از محل حق بیمه‌ها تأمین می‌شود. در نتیجه اشتغال رسمی و پایدار نقش بسزایی در پایداری منابع سازمان تأمین اجتماعی ایفا می‌کند.

بازار کار کشور این روزها از نا به سامانی‌های مختلفی رنج می‌برد. نرخ بیکاری سال‌های متوالی دو رقمی بوده است. نبود فرصت‌های شغلی مناسب خیل عظیمی را راهی دانشگاه‌ها کرده است که باعث کاهش نرخ مشارکت نیروی کار می‌شود. علاوه بر آن، انفجار جمعیت دهه ۶۰ و ۷۰ باعث رشد قابل توجه جمعیت در سن کار در سال‌های اخیر شده است.

تعداد کثیری از این نسل جوان پس از نا امید شدن از یافتن شغل مناسب در بخش رسمی و یا روبرو شدن با موانع جدی در راه‌اندازی و حفظ کسب و کار جدید، به بخش غیررسمی روی می‌آورند؛ بخشی که به طور متوسط ۱۵ تا ۲۰ درصد از ارزش افزوده کشور را تولید می‌کند. فعالان در بخش غیررسمی به دلایل مختلفی از مشارکت در منابع مالی بخش عمومی (از جمله سازمان تأمین اجتماعی) سر باز می‌زنند.





لذا جذب مشارکت این بخش در منابع سازمان تأمین اجتماعی ضمن کوچک کردن بخش غیررسمی (به عنوان یک آسیب اقتصادی) ریسک نقدینگی در آینده را کاهش می‌دهد. اگرچه، نظر به پیچیدگی‌های این بخش جذب منابع تولید شده در آن مطالعه دقیق و روش‌مندی را می‌طلبد. از این رو، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی بر خود دانسته تا به این فرصت نگاه دقیق‌تری بیندازد.

دکتر شهرام غفاری  
رئیس مؤسسه  
تابستان ۱۳۹۵



## ابعاد بخش غیررسمی در بازار کار ایران



بخش غیررسمی را از دو جهت می‌توان تعریف و بررسی کرد؛ اول، از نقطه نظر ماهیت تولید بخش غیررسمی سه شکل دارد:

- ▲ فعالیت‌هایی که در تولید ناخالص داخلی کشور ثبت نمی‌شوند؛
- ▲ فعالیت‌هایی که از نظر ماهیت تولید و محصول غیرقانونی هستند؛
- ▲ فعالیت‌هایی که در نفس محصول غیرقانونی نبوده اما در مراجع قانونی ذی‌ربط به ثبت نرسیده باشند.

از طرف دیگر بخش غیررسمی از نقطه نظر ماهیت اشتغال به بخشی اطلاق می‌شود که شاغلان در آن تحت پوشش نظام بیمه‌ای کشور نیستند

پیش از شکل‌گیری نظام مدرن اقتصادی، مبادلات در حد رفع نیاز و در قالب مبادلات تهاتری صورت می‌گرفت. خانوارها مازاد تولید خود را با یکدیگر مبادله می‌کردند. نظر به اینکه تنها ماهیت تولید خوداشتغالی بود، امکان تمیز مفهوم بخش غیررسمی در مقایسه با رسمی وجود نداشت. با افزایش تصاعدی جمعیت و پیچیده شدن فرایند تولید و همچنین مشکلاتی از جمله ارزش گذاری محصولات نظام مدرن اقتصادی جایگزین نظام سنتی و معیشتی شد. در نظام مدرن اقتصادی، نیروی کار ماهیت کالایی پیدا می‌کند. در نتیجه همچون دیگر کالاها در دو حالت «کارفرما» و «مزد و حقوق‌بگیر» مورد معامله قرار می‌گیرد. در این دوران بخش غیررسمی از بخش رسمی جدا شده و هویت مستقلی پیدا می‌کند. هر چند در گوشه و کنار جهان آثاری از آن رؤیت می‌شود، اما گسترش بخش غیررسمی تا شروع شکل‌گیری کارگاه‌های بزرگ قابل اغماض است.

پس از انقلاب صنعتی و اختراع ماشین بخار و دوک نخ‌ریسی، فرایند



تولید بار دیگر متحول شد. در این دوران حجم انبوهی از کارگران با تجهیزات صنعتی جایگزین شدند. کارگاه‌ها به کارخانه‌های وسیع بدل شدند (فوردیسم) و مفهوم «خوداشتغالی» بار دیگر پُررنگ شد. به بیان دیگر، بخش غیررسمی در زیر سایه تولید انبوه این دوران مجدداً جوانه زد. خوداشتغالی به افرادی اطلاق می‌شود که کارفرما و کارگر خود هستند. به بیان دیگر به جای کار کردن به ازای دستمزد برای کارفرما و یا دریافت سود در ازای سرمایه‌گذاری (مشابه با کارفرما) محصول را خود تولید کرده و به مصرف‌کننده نهایی به فروش می‌رسانند. در این حالت شمول در نظام بیمه مشاغل برای فرد اختیاری می‌شود. در حضور فشار سنگین رقابت با تولیدکنندگان بزرگ مقیاس، پرداخت حق بیمه تعداد زیادی از این بنگاه‌ها را در نقطه سر به سری و یا نقطه عدم صرفه تولید قرار می‌دهد. در نتیجه، این بنگاه‌ها به عضویت نظام تأمین اجتماعی در نیامده و بخش غیررسمی را شکل می‌دهند.

یکی از مفاهیم مکمل بحث در اینجا «دولت رفاه» است. منظور از دولت رفاه، دولتی است که نقشی کلیدی در حمایت و ارتقاء رفاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان ایفا می‌کند. به بیان دیگر «دولت رفاه» در مقابل نظام بازار قرار می‌گیرد. به این معنا که دولت رفاه مراتب توانمندسازیِ بازماندگان از نظام بازار را فراهم می‌کند. از جمله ارزش‌های کلیدی دولت رفاه می‌توان به «برابری فرصت‌ها»، «توزیع منصفانه ثروت» و «مسئولیت اجتماعی» اشاره کرد. توماس مارشال<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس بنام این حوزه، دولت رفاه را ترکیبی از «دموکراسی»، «رفاه» و «سرمایه‌داری» می‌داند. فارغ از شکل تعریف، خدمات عرضه‌شده توسط دولت رفاه طیف گسترده‌ای از خدمات (از فراگیر تا انتخابی) را دربرمی‌گیرند. پوشش بیمه‌ای برای آحاد جامعه از جمله این خدمات است. به بیان دیگر شکل‌گیری بخش غیررسمی نشان از ضعف دولت رفاه نیز دارد.

در حال حاضر در ایران چندین بحران جدی پیش روی ایرانیان قرار دارد. یکی از بحران‌های اصلی در حال حاضر بحران تأمین اجتماعی

1. Thomas Marshal



است. ضریب پوشش تأمین اجتماعی رو به کاهش؛ است به طوری که تا امروز نسبت پشتیبانی به حدود ۵٫۹ رسیده است. دیگر منابع تأمین مالی سازمان تأمین اجتماعی کشور سهم قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص نمی دهند. بیش از ۸۸ درصد از منابع سازمان تأمین اجتماعی را حق بیمه بیمه شدگان اصلی تأمین می کند. در نتیجه با کاهش نسبت پشتیبانی احتمال بروز بحران نقدینگی در سازمان تأمین اجتماعی افزایش می یابد. بنابراین راهکار ابتکاری خاصی برای عبور از این بحران نیاز است. طراحی یک راهکار عملیاتی مناسب که با ویژگی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران و همچنین شرایط سازمان تأمین اجتماعی همخوانی داشته باشد، نیازمند پژوهشی مدون و روشمند است. تحت پوشش آوردن فعالان بخش غیررسمی یکی از این راهکارها است که این گزارش اهمیت آن را بررسی می کند.

هدف گزارش پیش رو بررسی ارتباط میان اشتغال در بخش غیررسمی و توازن میان منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی است. از این رو برآورد تعداد افراد مشغول در بخش غیررسمی اهمیت قابل توجهی پیدا می کند. در سال ۱۳۸۵ از ۲۰ میلیون جمعیت شاغل کشور، ۱۳ میلیون نفر تحت پوشش یکی از صندوق های بازنشستگی کشور قرار داشتند. از این میان نزدیک به ۱۱ میلیون مربوط به سازمان تأمین اجتماعی و باقی مربوط به دیگر ارگان های بیمه ای کشور می شود. ۸ میلیون نفر از شاغلین کشور در این سال (۴۰ درصد جمعیت شاغل) تحت پوشش هیچ ارگان بیمه ای نبوده اند؛ این گروه را می توان شاغلان بخش غیررسمی اقتصاد برشمرد. علاوه بر آن در سال ۱۳۸۵ به ازای هر صد نفر شاغل در بخش رسمی، ۶۲ نفر در بخش غیررسمی فعال بوده اند. تعداد فعالان بخش غیررسمی در طول سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ افت داشته است. در سال ۱۳۹۰، ۴ میلیون نفر در بخش غیررسمی فعالیت داشته اند (۲۰ درصد جمعیت شاغل) و به ازای هر ۱۰۰ نفر شاغل در بخش رسمی ۲۵ نفر در بخش غیررسمی فعالیت می کردند.

در صورتی که فعالان بخش غیررسمی تحت پوشش بیمه مشاغل





سازمان تأمین اجتماعی قرار می‌گرفتند و با فرض اینکه هر یک از این افراد حقوقی معادل با حداقل دستمزد قانونی دریافت می‌کردند؛ هریک حق بیمه‌ای معادل با ۳۰ درصد (۲۰ درصد کارفرما، ۳ درصد دولت و ۷ درصد نیروی کار) این دستمزد را به عنوان حق بیمه برای سازمان تأمین اجتماعی به همراه می‌داشتند. در نتیجه در صورت رویداد فروض فوق در سال ۱۳۸۵ ۴۳٫۶ هزار میلیارد ریال، در سال ۱۳۸۸ ۵۸٫۸ هزار میلیارد ریال، در سال ۱۳۸۹ ۵۴ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۰، ۴۳٫۶ هزار میلیارد ریال حق بیمه به اندوخته‌های سازمان تأمین اجتماعی افزوده می‌شد.

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
جمعیت کل کشور (میلیون نفر)	۷۰	۷۳	۷۴	۷۵
تعداد شاغلین (میلیون نفر)	۲۰	۲۱	۲۱	۲۰
تعداد کل بیمه شدگان (میلیون نفر)	۱۳	۱۵	۱۵	۱۶
بخش غیررسمی (میلیون نفر)	۸	۶	۵	۴
نرخ عدم رسمیت (%)	۶۲	۴۰	۳۳	۲۵
درصد اندازه بخش غیررسمی (%)	۴۰	۲۹	۲۴	۲۰
حق بیمه بالقوه	ماهانه (هزار میلیارد ریال)	۳٫۶	۴٫۹	۴٫۵
	سالانه (هزار میلیارد ریال)	۴۳٫۶	۵۸٫۸	۵۴

Δ خلاصه وضعیت اشتغال در بخش رسمی و غیررسمی



کلمات کلیدی  
ILO  
سندوق بازنشستگی  
بخش غیررسمی  
اقتصاد سیاه

## ۱- فصل اول: مطالعات داخلی

### ۱-۱ مطالعات داخلی پیرامون اقتصاد غیررسمی

عرب مازار (۱۳۸۰)

عرب مازار با هدف استفاده هم‌زمان از اطلاعات مربوط به عوامل متعدد ایجاد و گسترش اقتصاد غیررسمی و نیز آثار آن بر حیطه‌های مختلف و هم‌چنین عدم اتکا به فروض مهم محدودکننده، از روش شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه (MIMIC) برای تخمین اندازه و روند اقتصاد سیاه در ایران در طول دوره زمانی ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ استفاده نمود. وی از متغیرهای بار مالیاتی، محدودیت‌های تجاری، رشد قیمت کالاهای مصرفی، بیکاری و درآمد سرانه به عنوان علل پیدایش و رشد اقتصاد غیررسمی و از متغیرهای نوسانات مخارج خانوار، مابه‌التفاوت نرخ ارز، تقاضای پول و مصرف انرژی به عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار اقتصاد غیررسمی استفاده نموده است.

به‌استناد یافته‌های این تحقیق، تغییرات در آمد سرانه، بار مالیاتی و رشد قیمت کالاهای مصرفی به ترتیب مهمترین عوامل تعیین‌کننده تحولات اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران طی دوره مورد بررسی بوده‌اند و افزایش هر یک از آن‌ها بر حجم نسبی تولید غیرقانونی و پنهان کشور می‌افزاید.

بابا حیدری (۱۳۸۰)

بابا حیدری با استفاده از روش MIMIC و در چهارچوب رهیافت نهادگرایی به برآورد اندازه اقتصاد غیررسمی ایران در طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۷ پرداخته است. وی از عوامل نهادی نظیر هزینه مبادله، عدم یکپارچگی بازارهای مالی، ناکارآمدی نظام اداری و بیکاری به عنوان علل ایجاد اشتغال بخش غیررسمی استفاده نموده و از متغیرهای مصرف، سرمایه‌گذاری، و نرخ بهره بازار به عنوان متغیرهای طرف تقاضا و از متغیرهای اشتغال کامل، تورم، بهره‌وری و رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای طرف عرضه و نشان دهنده آثار بخش غیررسمی استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که عدم یکپارچگی بازارهای مالی، هزینه مبادله بالا، بیکاری و

نظام اداری ناکارآمد به ترتیب مهمترین عوامل اثرگذار بر اشتغال در بخش غیررسمی هستند و بهره‌وری، نرخ بهره‌بازار و سرمایه‌گذاری به ترتیب مهمترین عوامل اثرپذیر از گسترش این بخش به شمار می‌روند.

### صادقی و شکیبایی (۱۳۸۲)

این پژوهشگران با بهره‌گیری از منطق فازی، سری زمانی اقتصاد غیررسمی را برای دوره ۷۸ - ۱۳۴۳ تخمین زدند. آن‌ها برای این کار از دو متغیر ورودی استفاده کردند: ۱ - نرخ مؤثر مالیات ۲ - شاخص مقررات، بدین طریق، شاخصی از حجم اقتصاد غیررسمی حاصل شد. بر اساس نتایج این تحقیق، نسبت تولید اقتصاد غیررسمی به تولید ناخالص داخلی رسمی در سال ۱۳۷۸، ۱۷٫۴ درصد (معادل ۷۷٫۱۳۰٫۹۳ میلیارد ریال) بوده است. هم‌چنین، حجم فرار مالیاتی در این سال معادل ۵٫۷۸۴٫۸۲ میلیارد ریال برآورد شد که این مقدار معادل ۱۹٫۴ درصد از درآمد مالیاتی رسمی کشور در این سال بوده است. به‌طور کلی، به‌استناد نتایج این تحقیق، اقتصاد غیررسمی در سال‌های مورد بررسی، به‌جز در برخی از سال‌ها، روندی افزایشی داشته است و دو متغیر ورودی (نرخ مالیات مؤثر و شاخص مقررات) با اقتصاد غیررسمی همراهی دارند.

### احمدی (۱۳۸۱)

احمدی با معرفی منطق فازی به برآورد اقتصاد غیررسمی در طی دوره ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ پرداخته است. وی بر اساس نظریه‌های اقتصادی و شواهد تجربی موجود در مورد ایران، دو متغیر علی را انتخاب کرد: درآمد سرانه و بار مالیاتی. سپس، بر مبنای این دو متغیر یک شاخص کمی محدود به فاصله [۱ و ۰] را برای حجم اقتصاد غیررسمی برآورد نمود.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که روند اقتصاد غیررسمی در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۱ و هم‌چنین، از ۱۳۷۵ به بعد صعودی است. از سویی دیگر، روند این پدیده در طی سال‌های ۱۳۶۲ - ۱۳۷۷ از پایداری نسبی برخوردار بوده است. به‌استناد این مطالعه، جدای از نوسانات مقطعی، روند حرکت اقتصاد غیررسمی در ایران در مقطع زمانی ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۷، صعودی ولی دارای شیبی نزدیک به صفر بوده است.

این پژوهشگران با استفاده از روش رگرسیونی تقاضای پول به برآورد حجم اقتصاد غیررسمی طی سال‌های ۷۹-۱۳۵۵ در کشور پرداخته‌اند. در این تحقیق، متغیرهای بار مالیاتی، بار ارزی، شاخص کشف مواد مخدر، نرخ متوسط تعرفه و مابه‌التفاوت نرخ ارز به عنوان عوامل شکل‌گیری و تحول اقتصاد زیرزمینی در ایران و متغیرهای تقاضا برای اسکناس و مسکوک و تقاضا برای پول به عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار اقتصاد زیرزمینی مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌استناد نتایج این تحقیق، حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران طی دوره مورد بررسی با نوسانات زیادی همراه بوده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مقدار مطلق اقتصاد غیررسمی همواره در طول دوره مورد بررسی در حال رشد بوده، و میانگین نسبت اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی حدود ۱۲٫۶۱ درصد بوده است.

احمدی با استفاده از الگوی شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه (MIMIC)، حجم اقتصاد غیررسمی در ایران را برای دوره ۷۸-۱۳۴۵ برآورد نموده است. وی از متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، مابه‌التفاوت نرخ رسمی و آزاد ارز، درجه باز بودن اقتصاد، نسبت شاغلین بخش عمومی به کل نیروی کار، درآمدهای واقعی قابل‌تصرف سرانه، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری، به عنوان علل پیدایش و گسترش اقتصاد غیررسمی و از متغیرهای پول در دست افراد، نرخ مشارکت مردان، و تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت به عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار این پدیده استفاده نموده است.

برآوردهای وی نشان می‌دهد که حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در طول دوره مورد بررسی دارای نوسانات اندکی است و در مجموع، این نوسانات نشان از افزایش حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در کشور دارد. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، میانگین اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دوره مورد بررسی برابر ۱۰ درصد بوده است و مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، افزایش بار مقررات بخش عمومی، و کمبود آزادی‌های تجاری بوده است. این در حالی است که بار مالیاتی، نرخ بیکاری، و درآمدهای واقعی قابل‌تصرف

سرانه تأثیر معنی‌داری بر اقتصاد غیررسمی ندارند.

### نیلی و ملکی (۱۳۸۵)

پژوهشگران در این مطالعه، به اثرات وجود اقتصاد غیررسمی در چهارچوب مدلی تحلیلی، روش‌های تخمین و علل مختلف ایجاد و گسترش آن پرداخته‌اند. نیلی و ملکی برای نشان دادن رابطه تجربی و بررسی دقیق‌تر اثر این عوامل بر اندازه اقتصاد غیررسمی، از مدل اقتصادسنجی مقطعی استفاده کردند. باتوجه‌به این برآورد، ضریب متغیر درآمد سرانه منفی و معنی‌دار است و نشان می‌دهد کشورهای با درآمد سرانه بالاتر، از سطح پایین‌تری از اقتصاد غیررسمی برخوردارند. هم‌چنین، ضریب متغیر فساد، منفی بوده و ضریب متغیرهای بار مالیاتی، شدت مقررات و دخالت‌های دولت مثبت برآورد شده است؛ لذا، باتوجه‌به نتایج این مطالعه، بار مالیاتی، شدت مقررات، دخالت‌های دولت، و فساد و رانت‌جویی از جمله عوامل مهم اثرگذار بر ایجاد و گسترش بخش غیررسمی هستند.

### ابریشمی، مهرآرا و هیبتی (۱۳۸۶)

این پژوهشگران با استفاده از تحلیل‌های هم‌انباشتگی و مدل تصحیح خطا<sup>۱</sup>، به بررسی ارتباط متقارن میان اقتصاد زیرزمینی و مالیات‌ها در ایران پرداخته‌اند. آنها دریافتند تأثیر مالیات‌های غیرمستقیم بر گسترش اقتصاد زیرزمینی در ایران از تأثیر مالیات‌های مستقیم در کوتاه‌مدت بیشتر و در مقابل، تأثیر مالیات‌های مستقیم بر روی افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی در بلندمدت بیشتر است.

این پژوهشگران برای بررسی این که آیا تغییرات مثبت و منفی مالیاتی اثرات متقارنی بر اقتصاد زیرزمینی می‌گذارند، از آزمون والد<sup>۲</sup> استفاده کردند. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که اقتصاد زیرزمینی به شیوه‌ای متقارن نسبت به افزایش و کاهش مالیات‌های مستقیم واکنش نشان می‌دهد؛ اما چنین نتیجه‌ای درباره مالیات‌های غیرمستقیم صادق نیست. وجود واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات‌های مستقیم، به این معنی است که بنگاه‌ها در ایران سرعت مشابهی را در فرار از مالیات‌های مستقیم هنگام افزایش آن‌ها و ورود به اقتصاد رسمی هنگام کاهش این مالیات‌ها از خود نشان می‌دهند.

1. Error Corection Model

2. Wald test

این پژوهشگران روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران را با استفاده از رویکرد شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه پویا (DYMIMIC) برای دوره زمانی ۸۰-۱۳۵۱ مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه از متغیرهای بار مالیاتی، مصارف دولت، نرخ بیکاری، سهم خوداشتغالی از کل نیروی کار، شاخص کارایی سیستم انتظامی و شاخص قانونی بودن به عنوان علت‌های شکل‌گیری اقتصاد سایه‌ای و از متغیرهای تولید ناخالص داخلی و نقدبنگی خارج از بانک‌ها به عنوان شاخص‌های اقتصاد سایه‌ای استفاده شده است.

به‌استناد این مطالعه، میانگین نسبت اقتصاد سایه‌ای به GDP در ایران برای دوره موردنظر ۱۲ درصد بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل شکل‌گیری روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران، بیکاری در جامعه است. علاوه بر آن، مصارف دولت، جرائم، شدت قوانین و مقررات، نرخ خوداشتغالی هم با روند تحولات اقتصاد سایه‌ای ارتباط مثبتی دارند. با این حال، متغیرهای بیکاری، مصارف دولت و کل جرائم رخ داده در جامعه در این مطالعه، به عنوان اصلی‌ترین علل توضیح‌دهنده اقتصاد سایه‌ای ایران شناسایی شده‌اند. هم‌چنین، بر اساس نتایج، بار مالیاتی نسبت به سایر متغیرهای به‌کاررفته در مدل، در تعیین اندازه اقتصاد سایه‌ای ایران اثر ضعیف‌تری دارد.

این پژوهشگران با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی<sup>۱</sup> (ARDL)، اثرگذاری مالیات‌ها و اجزای آن بر اقتصاد زیرزمینی را طی دوره ۸۲-۱۳۵۱ مورد بررسی قرار داده‌اند.

نویسندگان در مرحله اول، به بررسی اثر بار مالیاتی کل، رشد تولید ناخالص داخلی و بار قانونی و مقرراتی بر اقتصاد زیرزمینی پرداختند. نتایج نشان داد که بار مالیاتی کل به لحاظ آماری اثر معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی ندارد، اما متغیرهای بار قانونی و مقرراتی و نرخ رشد GDP اثر معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی دارند.

در مرحله دوم، متغیر بار مالیاتی کل را به دو جزء بار مالیاتی مستقیم و بار مالیاتی غیرمستقیم تفکیک نمودند. نتایج نشان داد بار مالیاتی مستقیم اثر معنی‌داری بر اقتصاد

1. Autoregressive with Distributive lags

زیرزمینی ندارد، اما بار مالیاتی غیر مستقیم اثر مثبت و معنی داری بر اقتصاد زیرزمینی دارد. در مرحله سوم، متغیر بار مالیاتی مستقیم را به اجزای آن - یعنی مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر ثروت - و متغیر بار مالیاتی غیر مستقیم را به اجزای آن - یعنی مالیات بر واردات و مالیات بر فروش - تفکیک نمودند، نتایج نشان داد که اجزای بار مالیاتی مستقیم اثر معنی داری بر اقتصاد زیرزمینی ندارند. از بین اجزای بار مالیاتی غیر مستقیم، مالیات بر واردات رابطه معنی داری با اقتصاد زیرزمینی ندارد، ولی این رابطه برای مالیات بر فروش معنی دار است؛ هم‌چنین، ضرایب بر آوردی متغیرهای بار قانونی و مقرراتی و نرخ رشد GDP معنی دار هستند.

### صامتی، سامتی و دلای میلان (۱۳۸۸)

این نویسندگان با روش علل چندگانه-شاخص‌های چندگانه (MIMIC) به بر آورد و بررسی علل آثار اقتصاد زیرزمینی در ایران طی دوره ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴ پرداخته‌اند. در این مطالعه، متغیرهای بار مالیاتی، درآمدهای نفتی، بیکاری، نسبت مصرف دولت به تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، تورم و محدودیت‌های تجاری به عنوان متغیرهای علل، و متغیرهای نرخ رشد GDP واقعی و تقاضا برای پول در گردش و مصرف نهایی انرژی به عنوان شاخص‌های منعکس کننده اقتصاد زیرزمینی در ایران انتخاب شده‌اند.

نتایج این پژوهش نشان داده است که اقتصاد زیرزمینی در ایران طی این دوره به طور متوسط ۱۷،۵۴ درصد از اقتصاد رسمی بوده است. علاوه بر آن، نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد روند تغییر و تحول اقتصاد زیرزمینی در ایران به طور معنی داری از دو متغیر بیکاری و محدودیت‌های تجاری تبعیت می‌کند.

### سلیمی فر و کیوان فر (۱۳۸۹)

این پژوهشگران به بر آورد حجم اقتصاد غیررسمی در بخش شهری اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ و بررسی اثر تورم بر آن پرداخته‌اند. آن‌ها برای محاسبه اندازه اقتصاد غیررسمی از روش شکاف درآمدی (میانگین اختلاف هزینه و درآمد در دهک‌های درآمدی) استفاده کردند. نتایج حاصل از این تحقیق، روند افزایشی حجم بخش غیررسمی را در سال‌های جنگ تحمیلی نشان می‌دهد.

بر اساس این نتایج، تنها ضریب تورم گروه کالاها مثبت و معنی‌دار است. لذا، افزایش نرخ تورم در گروه کالا، افزایش بخش غیررسمی شهری را به دنبال دارد. پژوهشگران در توجیه این نتیجه اذعان می‌کنند که «افزایش نرخ تورم در گروه کالایی موجبات افزایش سودآوری و رونق را در بخش غیررسمی فراهم می‌کند، و لذا ورود بنگاه‌ها به بخش غیررسمی را افزایش می‌دهد».

### قنبری و مخزن موسوی (۱۳۸۸)

در این تحقیق، از منطق فازی برای تبیین روند سالانه اقتصاد زیرزمینی در ایران برای دوره ۸۵-۱۳۵۷ استفاده شده است. سه متغیر ورودی به کار رفته در این مطالعه عبارتند از: نرخ مالیات مؤثر، شاخص درجه مقررات دولتی و نرخ بیکاری.

نتایج برآورد در این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه روند به‌دست آمده از اقتصاد زیرزمینی، نظم خاصی ندارد، اما کاملاً متأثر از روند سه متغیر ورودی است؛ بدین ترتیب که کاهش نرخ مالیات مؤثر، نرخ بیکاری، و شاخص درجه مقررات، باعث کاهش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌شود و بالعکس.

### طالعی اردکانی، بخشی دستجردی، و سعادت‌خواه (۱۳۹۰)

در این مطالعه، روند اقتصاد زیرزمینی ایران طی دوره زمانی ۸۶-۱۳۵۵ با منطق فازی برآورد شده است. دو متغیر ورودی (نهاده) مورد استفاده در این مطالعه، درآمد سرانه و بار مالیاتی مستقیم بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با فرض این که دو متغیر درآمد سرانه و بار مالیاتی از عوامل مهم ایجاد و گسترش پدیده اقتصاد زیرزمینی در ایران هستند، این پدیده از روند نسبتاً پایداری طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۰ برخوردار بوده است.

### مهرابی بشرآبادی، کوچک‌زاده و تابلی (۱۳۹۱)

در این مطالعه، تأثیر اندازه اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۸۶-۱۳۵۱ با استفاده از تکنیک تصحیح خطای برداری<sup>۱</sup> (VECM) بررسی شده

1. Vectors Error Correction Model



است. برای این منظور، ابتدا حجم اقتصاد سایه‌ای با روش منطق فازی برآورد می‌شود. برای این منظور تنها از دو متغیر استفاده شده است که عبارتند از: متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی (نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی) و شاخصی از قوانین و مقررات دولت که این متغیرها رابطه مستقیم با اقتصاد سایه‌ای دارند.

بر اساس نتایج، در بلندمدت اندازه اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی ایران تأثیر منفی و معنی‌داری دارد و لذا، گسترش فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد یکی از عوامل تهدیدکننده رشد اقتصادی به شمار می‌رود. هم‌چنین، درصد افزایش در جمعیت شاغل و موجودی سرمایه، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهند.

### عمادزاده و رفیعی طباطبایی (۱۳۹۱)

پژوهشگران در یک تحقیق بین‌کشوری، به بررسی تأثیر برخی از متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی بر اقتصاد زیرزمینی در برخی کشورهای توسعه‌یافته پرداخته‌اند. نتایج تحلیل داده‌های تابلویی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته، سن، جنسیت، درصد اشتغال در بخش خدمات، سطح دانش عمومی، خودارزیابی سیستم مالیاتی و درصد رشد GDP، با اقتصاد زیرزمینی رابطه معکوس و درصد اشتغال در بخش کشاورزی، نرخ نهایی مالیات و نرخ تورم، با اقتصاد زیرزمینی رابطه مستقیم دارند.

### نصراللهی و طالعی اردکانی (۱۳۹۱)

پژوهشگران در این مطالعه به برآورد اقتصاد سایه‌ای طی دوره ۸۶-۱۳۵۴ و اثر آن بر آلودگی هوا پرداخته‌اند. به‌منظور برآورد اندازه اقتصاد سایه‌ای از روش شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه استفاده شده است. در این راستا، متغیرهای نرخ بیکاری، بار مالیات مستقیم، نرخ تورم، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت و شاخص سیاسی به عنوان علل ایجاد و گسترش اقتصاد سایه‌ای و متغیرهای مصرف انرژی، حجم سپرده‌های دیداری، و نرخ مشارکت مردان به عنوان شاخص‌های آن مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج این تحقیق، اقتصاد سایه‌ای در دوره مورد بررسی از روندی صعودی برخوردار بوده و میانگین نسبت حجم اقتصاد سایه‌ای به تولید ناخالص داخلی طی دوره مورد بررسی معادل ۱۲,۲۵ درصد بوده است. به طور متوسط، به ازای هریک واحد افزایش در اندازه اقتصاد سایه‌ای، آلودگی هوا ۰,۱۷ درصد افزایش می‌یابد.

1. Panel Data

این پژوهشگران با این دیدگاه که فعالیت اقتصاد غیررسمی معمولاً با فرار از قوانین و مقررات محیط زیست همراه است، به تخمین حجم اقتصاد غیررسمی در ایران پرداخته‌اند. پژوهشگران در این مقاله متغیر پنهان اقتصاد غیررسمی، که با تفاوت تولید کل و گزارش شده برابر است؛ را با به کارگیری روش فیلتر کالمن و بر مبنای متغیرهای زیست‌محیطی شامل انتشار دی‌اکسید کربن و مساحت جنگل برای اقتصاد ایران، طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۵۹ برآورد کردند. به‌استناد این نتایج، تولید کل، مساحت جنگل‌ها و تعداد کارگاه‌های صنعتی با انتشار دی‌اکسید کربن در اقتصاد ایران رابطه بلندمدت و معنی‌داری دارد. ارزش اقتصاد غیررسمی تخمینی بر اساس متغیرهای زیست‌محیطی در برخی سال‌ها افزایش و در برخی دیگر از سال‌ها کاهش یافته است. با وجود این، سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص واقعی کشور در سال‌های مورد مطالعه، به‌طور متوسط ۳۵٫۶ درصد برآورد شده است.

این پژوهشگران در مطالعه‌ای به کمک تحلیل عاملی اکتشافی، اندازه اقتصاد غیررسمی ایران را طی سال‌های ۸۷-۱۳۵۲، برآورد کردند. در گام دوم، چگونگی و شدت اثر گذاری متغیرهایی هم‌چون بار مالیاتی مستقیم، بار مالیاتی غیر مستقیم، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، عرضه پول، تولید ناخالص داخلی و نرخ فعالیت را در قالب الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) مورد مطالعه قرار دادند.

متوسط سهم اقتصاد زیرزمینی از تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی در حدود ۲۷ درصد بوده است. نتایج این برآورد نشان داد که شوک رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تشکیل سرمایه ناخالص در بلندمدت، اثری منفی بر رشد اقتصاد غیررسمی دارند، و شوک رشد عرضه پول، رشد بار مالیاتی غیر مستقیم، رشد بار مالیاتی مستقیم و رشد نرخ فعالیت اثر مثبتی بر رشد اقتصاد غیررسمی دارد. به‌استناد این نتایج، در بین این عوامل، رشد تولید ناخالص داخلی بیشترین اثر را بر اقتصاد غیررسمی دارد.

### تقی‌نژاد عمران و نیک‌پور (۱۳۹۲)

در این پژوهش، پس از تبیین مفهوم اقتصاد زیرزمینی، عوامل اثرگذار بر آن، و پیامدهای نامساعد آن بر اقتصاد، اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۹، به کمک روش پولی در سه سناریو برآورد شده است. نسبت کل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به حجم پول، در آمد سرانه و نرخ بهره موجب می‌شوند فرد به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورد. این مدل با سه سناریو برآورد گردید. میانگین اندازه اقتصاد زیرزمینی طی دوره مورد بررسی در سه سناریو به ترتیب: ۱۳،۲۶، ۱۵،۰۵ و ۱۵،۷۱ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است. سپس، پژوهشگران اثرگذاری متغیرهایی مانند بار مالیاتی، تورم، نابرابری در آمد، اندازه دولت و شکاف نرخ ارز بر اقتصاد زیرزمینی را در قالب یک مدل اقتصادسنجی مورد بررسی قرار داده‌اند. برآورد مدل نشان می‌دهد که متغیرهایی چون بار مالیاتی، تورم، نابرابری در آمد و اندازه دولت همگی بر اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران اثر مثبت و معنی‌داری دارند؛ در میان این عوامل، بار مالیاتی بیشترین اثر را بر اقتصاد زیرزمینی داشته است.

### جعفری صمیمی و اکبری (۱۳۹۲)

این پژوهشگران به بررسی اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران برای دوره زمانی ۸۸-۱۳۵۷ پرداخته‌اند. آن‌ها برای این منظور، از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده کردند.

با توجه به نتایج، بار مالیات مستقیم، بار مالیات غیرمستقیم، نرخ بیکاری، نرخ تورم، و شاخص نرخ ارز اثر مستقیمی بر اندازه اقتصاد زیرزمینی دارند. هم‌چنین، از متغیرهای نام برده شده، بار مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم بیشترین اثر را بر حجم اقتصاد زیرزمینی ایران دارند.

### شکیبایی و شادمانی (۱۳۹۳)

در این پژوهش، پژوهشگران به برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران در طی دوره ۸۶-۱۳۴۹ پرداخته‌اند. برای این منظور، هشت شاخص فازی جدید برای مدل‌سازی و برآورد اندازه اقتصاد سایه‌ای ارائه شد. ایشان از تعریف توماس با دسته‌بندی چهارگانه برای اقتصاد غیررسمی استفاده نمودند. باتوجه‌به نتایج این تحقیق، روند تغییرات اقتصاد

سایه‌ای مربوط به بخش خانوار از ابتدای دوره مورد نظر تا انتها روندی نزولی دارد. اما روند تغییرات اقتصاد سایه‌ای مربوط به بخش غیررسمی دارای نوسانات و پراکندگی زیادی است. با این حال، این بخش سهم نسبتاً ثابتی از عوامل گسترش اقتصاد سایه‌ای را به خود اختصاص داده است. اگرچه روند اقتصاد سایه‌ای مربوط به بخش نامنظم دارای نوسان است، اما این روند در مورد بخش غیرقانونی هم مشاهده می‌شود. بنابراین، بخش‌های نامنظم، غیررسمی و غیرقانونی عوامل اثرگذار بر اندازه اقتصاد سایه‌ای هستند. اندازه اقتصاد سایه‌ای ایران طی دوره مورد بررسی به طور میانگین حدود ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است.

### ابونوری و نیک‌پور (۱۳۹۳)

ابونوری و نیک‌پور اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران را طی دوره ۹۰-۱۳۴۵ مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا، در مرحله اول شاخص حجم اقتصاد پنهان را با رویکرد علل چندگانه- شاخص‌های چندگانه (MIMIC) محاسبه کردند. به استناد نتایج این مطالعه، حجم اقتصاد پنهان در طول دوره مورد بررسی از نوسانات بسیار زیادی برخوردار بوده است، اما در مجموع، روندی افزایشی داشته است. همچنین، نتایج این برآورد نشان می‌دهد که متغیرهای بار مالیاتی، حجم دولت و محدودیت‌های تجاری عوامل اصلی پیدایش اقتصاد پنهان در ایران هستند؛ درحالی‌که رشد درآمد سرانه اثر معنی‌داری در پیدایش آن ندارد. نویسندگان در مرحله دوم، اثر شاخص‌های مختلف بار مالیاتی بر رشد اقتصاد پنهان را مورد مطالعه قرار دادند. در مجموع، اثر نهایی متغیر بار مالیاتی بر اندازه اقتصاد پنهان مثبت و معنی‌دار است.

### حسینی، نصراللهی، و ابطحی (۲۰۱۵)

این پژوهشگران در مطالعه‌ای به برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی و ارتباط آن با توسعه مالی پرداخته‌اند. برای این منظور ابتدا با روش شاخص‌های چندگانه- علل چندگانه حجم اقتصاد زیرزمینی را طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۹ برآورد نمودند. متغیرهای نرخ مالیات مؤثر، درجه شهرنشینی، شاخص توسعه انسانی، درجه مقررات دولت، و نرخ بیکاری به عنوان علت‌های شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی، و متغیرهای مصرف انرژی،

تقاضای پول، و توزیع درآمد به عنوان شاخص‌های آن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با توجه به نتایج برآورد، نسبت حجم اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی طی این دوره، به طور متوسط ۱۶،۱۶ درصد بوده است.

سپس، پژوهشگران با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) اثر توسعه مالی را بر اقتصاد زیرزمینی مورد بررسی قرار دادند. به استناد نتایج این پژوهش، توسعه مالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر منفی و معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی دارد. هم‌چنین، نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی دارند.

## ۱-۲- مطالعات داخلی پیرامون منابع تأمین اجتماعی

نیکوپور (۱۳۸۳)

این مطالعه به حجم اقتصاد زیرزمینی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ می‌پردازد. برای این هدف از روش نسبت نقدینگی تعدیل‌شده استفاده شده و در تصریح مدل رگرسیونی شرایط خاص ایران لحاظ شده است. نسبت نقدینگی در اینجا تابعی از سطح توسعه اقتصادی، نرخ تورم، درجه شهرنشینی، هزینه مالیات بر واردات، بار مالیات مستقیم، بار بیمه‌های اجتماعی و نرخ ارز بازار سیاه به عنوان «شاخص‌ها و متغیرهای منعکس‌کننده اقتصاد زیرزمینی» در نظر گرفته شده‌اند. حجم اقتصاد زیرزمینی در این مطالعه به طور میانگین ۷۶،۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. گسترش اقتصاد زیرزمینی، آثار مخرب فراوانی را بر عملکرد اقتصاد کلان و پایداری منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی دارد.

عبدلی (۱۳۸۴)

در این مطالعه محقق با به کارگیری مدل تعدیل جزئی به بررسی آثار متغیرهای اقتصادی، جمعیتی و بیمه‌ای بر درآمدهای هدف‌گذاری‌شده سازمان تأمین اجتماعی و با استفاده از داده‌های کلان سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد عوامل مختلف سازمانی و نهادی، بورکراسی، هزینه‌های تغییر و پافشاری بر عادات، رسیدن به درآمد مطلوب (هدف‌گذاری شده) را با کندی و تأخیر مواجه

می‌سازد. عواملی چون سطح حداقل دستمزد، نرخ‌های حق بیمه و تعداد بیمه‌شدگان اثر قابل‌توجهی در سرعت حصول به درآمد مطلوب دارند. تعداد بیمه‌شدگان تحت تأثیر شدید شاغلان بخش‌های اقتصادی است که عامل تعیین‌کننده در آنها محصول و موجودی سرمایه و کاربری تولید است. بنابراین برای دستیابی به درآمد مطلوب، باید افزایش تعداد بیمه‌شدگان و حداقل دستمزدها در اولویت باشد.

#### مهدوی (۱۳۸۵)

محقق به تحلیل مسائل تأمین مالی مراقبت‌های بهداشتی پرداخته است که لازمه آن محاسبه درست و منطقی هزینه‌های سلامت است، ایالات متحده نیز رویکرد بسیار دقیقی برای محاسبه هزینه‌های بهداشتی فراهم ساخته است که حساب‌های ملی سلامت نامیده می‌شود. از نتایج این پژوهش اینکه روش‌هایی که برای محاسبه هزینه‌های بهداشتی در کشورهای در حال توسعه به کار رفته تنها به صورت موردی استفاده شده است. روش حساب‌های ملی سلامت از ماتریس منابع-مصارف برای ردیابی و پیگیری مسیر جریان منابع ملی در سیستم مراقبت‌های بهداشتی ملی استفاده می‌کند. حساب‌های ملی سلامت رویکردی مناسب و عملی در کشورهای در حال توسعه است. از آنجا که استراتژی‌های اصلاحات مراقبت‌های بهداشتی، چندگانگی در منابع تأمین مالی را ترویج می‌کند؛ حساب‌های ملی سلامت ابزاری است که برای سیستم‌های بهداشتی چندگانه مناسب است.

#### رئیس جعفری (۱۳۸۸)

در این پژوهش با بررسی انواع صندوق‌های بیمه‌ای تأمین اجتماعی و استفاده از نگرش نهادگرایانه ویلیامسون<sup>۱</sup> به تبیین متغیرهای اثرگذار بر منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای می‌پردازد. مبتنی بر نتایج پژوهش، تورم بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی در ایران بعد از انقلاب تأثیر منفی داشته است. بانوجه به چهارچوب مورد بحث ویلیامسون تأثیر منفی تورم ناشی از ناکارآمدی نهادهای غیررسمی، عدم ثبات، ناکارآمدی در نهادهای رسمی، مسائل و مشکلات اجرا در ایران و در نهایت متغیرهایی همچون نرخ رشد جمعیت، بیکاری و تورم در کشور بوده است.

1. Williamson

ردیف	عنوان پژوهش	مؤلفین	سال نشر	نشریه	روش تحقیق
۱	اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر	علی عرب مازار یزدی	۱۳۸۰	نشریه برنامه و بودجه	روش شاخص‌های چندگانه - عمل چندگانه (MIMIC)
۲	ارزیابی و اندازه‌گیری مهمترین عوامل اثرگذار بر اشتغال در بخش غیررسمی	سعید باباحیدری	۱۳۸۰	پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.	روش MIMIC و در چهار چوب رهیافت نهادگرایی
۳	برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و تحلیل علل پیدایش آن	علیرضا شکیبایی	۱۳۸۰	رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس	روش فازی
۴	برآورد از اقتصاد سیاه در ایران با استفاده از منطق فازی	اکبر احمدی	۱۳۸۱	پژوهش‌های اقتصادی ایران	روش فازی
۵	اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی	علی اصغر اسفندیاری آرش جمال‌منش	۱۳۸۱	پژوهشنامه اقتصادی	روش رگرسیونی تقاضای پول
۶	برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران با روش MIMIC	رضا احمدی	۱۳۸۲	پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران	الگوی شاخص‌های چندگانه - عمل چندگانه

جدول ۱: مطالعات انجام‌شده در کشور با محوریت اقتصاد غیررسمی

ردیف	عنوان پژوهش	مؤلفین	سال نشر	نشریه	روش تحقیق
۱۲	اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر آن بر تورم	مصطفی سلیمی فر محمد کیوانفر	۱۳۸۹	مجله دانش و توسعه	روش شکاف درآمدی، روش OLS
۱۳	رویکرد منطق فازی برای مدل سازی اقتصاد زیرزمینی در ایران	علی قنبری سید هادی مخزن موسوی	۱۳۸۸	پژوهشنامه اقتصادی	روش فازی
۱۴	مدل پایی اقتصاد زیرزمینی ایران (۱۳۵۵-۱۳۸۶) با استفاده از منطق فازی	سمانه طالعی از دکانی رسول بخشی دستجردی آزاده سعادت خواه	۱۳۹۰	فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه	روش فازی
۱۵	آیا اقتصاد سایه ای رشد اقتصادی را تهدید می کند؟ (مطالعه موردی: کشور ایران)	حسین مهربانی بشرا بادی سمیه کوچک زاده حمید تابی	۱۳۹۱	فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران	تکنیک تصحیح خطای برداری (VECM) و روش فازی
۱۶	پیرامون اقتصاد زیرزمینی و عوامل مؤثر بر آن در منتخبی از کشورهای توسعه یافته	مصطفی عمادزاده زهرا رفیعی طباطبایی	۱۳۹۱	فصلنامه اقتصاد کلان	داده های تابلویی

△ ادامه جدول ۱



ردیف	عنوان پژوهش	مؤلفین	سال نشر	نشریه	روش تحقیق
۷	اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی	مسعود نیلی منصور ملکی	۱۳۸۵	فصلنامه علمی و پژوهشی شریف	مدل اقتصادسنجی مقطعی
۸	بررسی واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات	حمید ابریشمی محسن مهرآرا نازلی هبیتی	۱۳۸۵	مجله تحقیقات اقتصادی	تحلیل‌های هم‌انباشتی و مدل تصحیح خطا
۹	بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC	علیرضا شاکشکیانی علی رئیس پور	۱۳۸۶	فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی	شاخص‌های چندگانه - مدل چندگانه (DYMIMIC)
۱۰	بررسی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۲)	الیاس نادران حسن صدیقی	۱۳۸۷	تحقیقات اقتصادی	الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL)
۱۱	برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۴۴-۸۴): به روش MIMIC	مجید صامتی مرتضی سامتی علی دلائی میلان	۱۳۸۸	مطالعات اقتصاد بین‌الملل	روش شاخص‌های چندگانه - مدل چندگانه (MIMIC)

روش تحقیق	نشریه	سال نشر	مؤلفین	عنوان پژوهش	ردیف
روش فازی	فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی	۱۳۹۳	علیرضا شکیبایی قاسم شادمانی	برآورد اقتصاد سایه ای ایران (۱۳۴۹-۱۳۸۶) با استفاده از مدل سازی فازی چند مرحله‌ای	۲۲
رویکرد علل چندگانه - شاخص‌های چندگانه (MIMIC)	فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی	۱۳۹۳	اسمعیل ابونوری عبدالحامد نیک‌پور	اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران	۲۳
روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)	Journal of Novel Applied Sciences	۲۰۱۵	حسینی نصراللهی ایطحی	تخمین اقتصاد زیرزمینی در ایران و رابطه آن با توسعه مالی	۲۴
روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL)	فصلنامه تأمین اجتماعی	۱۳۸۳	حسام نیکوپور	تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی با تأکید بر انگیزه فرار بیمه‌ای	۲۵

△ ادامه جدول ۱

روش تحقیق	نشریه	سال نشر	مؤلفین	عنوان پژوهش	ردیف
روش شاخص‌های چندگانه - مدل چندگانه (MIMIC)	فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی	۱۳۹۱	زهرا نصراللهی سمانه طالعی اردکانی	تخمین اقتصاد سابهایی و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا مطالعه موردی: اقتصاد ایران	۱۷
روش فیلتر کالمن	فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی	۱۳۹۱	مجید مداح فروغ السادات نوع ایران	تخمین روند اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای متغیرهای زیست محیطی، رهیافت فیلتر کالمن	۱۸
تحلیل عامل اکتشافی و الگوی خودرگرسیون برداری (VAR)	فصلنامه علوم اقتصادی	۱۳۹۳	هانیه علیزاده فرهاد غفاری	برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن	۱۹
روش پولی	فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران	۱۳۹۲	وحید تقی نژاد عمران معصومه نیک پور	اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه موردی ایران	۲۰
از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL)	همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران	۱۳۹۳	احمد جعفری صمیمی محسن اکبری	بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۸)	۲۱

حجم اقتصاد غیررسمی		تعریف اقتصاد غیررسمی	ردیف
بازه زمانی	متوسط اقتصاد غیررسمی نسبت به اقتصاد رسمی		
۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷	۱۱٪	اقتصاد سیاه ترکیبی از تولید غیرقانونی و تولید پنهان بر اساس تعاریف در نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳	۱
۱۳۵۰ تا ۱۳۷۷	۱۰٪	شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	۲
۱۳۴۳ تا ۱۳۷۸	۱۱٪	شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	۳
۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷	شاخصی از MIMIC و روش فزایی همانند روش حجم اقتصاد غیررسمی را فراهم می‌کند که نشان‌دهنده روند آن است نه مقدار آن و در این مطالعه نمی‌توان متوسط استخراج کرد	بر اساس نظریه‌های اقتصادی و شواهد تجربی در مورد اقتصاد ایران، دو متغیر سببی (درآمد سرانه و بار مالیاتی) انتخاب کرده و براساس آنها یک شاخص کمی محدود به فاصله [۰،۱] به دست می‌آید	۴
۱۳۵۵ تا ۱۳۷۹	۱۲،۶۱٪	متغیرهای تقاضا برای اسکناس و مسکوک (CUR) و تقاضا برای پول (M1) به‌عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار اقتصاد زیرزمینی مورد استفاده قرار گرفتند	۵
۱۳۴۵ تا ۱۳۷۸	۱۰٪	طبق جی جی توماس ۱۳۷۶ در مفهوم وسیع، منظور از اقتصاد غیررسمی کلیه فعالیت‌هایی است که به عللی در حساب‌های ملی ثبت نمی‌گردد. شامل چهار بخش: ۱. خانوار ۲. غیررسمی ۳. نامنظم ۴. غیرقانونی	۶
۶۳ کشور	برآورد نکرده	اقتصاد غیررسمی شامل فعالیت‌های غیرقانونی و فعالیت‌هایی است که امکان گزارش آنها وجود ندارد.	۷

Δ جدول ۲: مطالعات انجام شده در کشور با محوریت اقتصاد غیررسمی.

حجم اقتصاد غیررسمی		تعریف اقتصاد غیررسمی	ردیف
بازه زمانی	متوسط اقتصاد غیررسمی نسبت به اقتصاد رسمی		
		شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	۸
۱۳۵۱ تا ۱۳۸۰	۱۲٪	برای به دست آوردن یک تعریف دقیق‌تر از اقتصاد پنهان، می‌توان به سیستم حساب‌های ملی (SNA۹۳) و سیستم حساب‌های ملی اروپا (ESA۹۵) اشاره کرد. این دو سیستم، یک اقتصاد غیرقابل مشاهده را تعریف می‌کنند. این تعریف در برگزیده تمامی فعالیت‌های تولیدی است که به سه ناحیه دسته‌بندی می‌شود: ۱. تولید زیرزمینی، ۲. تولید غیررسمی، ۳. تولید غیرقانونی	۹
۱۳۵۱ تا ۱۳۸۲	۱۹,۶٪	به طور کلی دو تعریف محدود و گسترده وجود دارد: در تعریف گسترده، اقتصاد زیرزمینی شامل بخش‌های خانوار، غیررسمی، غیرعادی و غیرقانونی می‌شود که در تعریف توماس از آن به عنوان اقتصاد غیررسمی یاد می‌شود. در تعریف محدود، اقتصاد زیرزمینی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که از نظر ماهیت قانونی ولی به علت عدم پرداخت مالیات و عدم رعایت برخی قوانین دولتی به مقامات رسمی گزارش نمی‌شوند.	۱۰
۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴	۱۷,۵۴٪	توماس اقتصاد زیرزمینی را کلیه فعالیت‌هایی که به عللی در حساب‌های ملی نمی‌آیند، تعریف می‌کند در ادامه فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی را به چهار بخش زیر تفکیک کرده: ۱. بخش خانوار؛ ۲. بخش غیررسمی؛ ۳. بخش نامنظم؛ و ۴. بخش غیرقانونی. در این مطالعه بخش نامنظم و غیرقانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد	۱۱

△ ادامه جدول ۲.

ردیف	تعریف اقتصاد غیررسمی	حجم اقتصاد غیررسمی	
		متوسط اقتصاد غیررسمی نسبت به اقتصاد رسمی	بازه زمانی
۱۲	اقتصاد غیررسمی، بخشی است که با وجود این که ارزش افزوده ایجاد می‌کند، در هیچ کجا ثبت نمی‌شود. آن بخش که بررسی و اندازه‌گیری آن مهمتر است، بخش نامنظم در تعریف توماس است. زیرا افراد زیادی وجود دارند که به دلیل عدم وجود کار و یا فزونی هزینه بر درآمد، وارد این بخش می‌شوند و بررسی این بخش به نوعی می‌تواند آینه‌ای در برابر سیاست‌مداران و اقتصاددانان باشد.	۲۶,۴۸٪	۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷
۱۳	اقتصاد زیرزمینی به فعالیت‌ها و مبادلاتی اطلاق می‌شود که ممکن است خود قانونی یا غیرقانونی باشند، اما به دلیل عدم گزارش، اندازه‌گیری نمی‌شوند.	شاخصی از MIMIC و روش فازی همانند روش حجم اقتصاد غیررسمی را فراهم می‌کند که نشان دهنده روند آن است نه مقدار آن و در این مطالعه نمی‌توان متوسط استخراج کرد	۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵
۱۴	اقتصاد زیرزمینی به صورت ترکیبی از تولید غیرقانونی و تولید پنهان بر اساس تعاریف نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ تعریف شده است.	شاخصی از MIMIC و روش فازی همانند روش حجم اقتصاد غیررسمی را فراهم می‌کند که نشان دهنده روند آن است نه مقدار آن و در این مطالعه نمی‌توان متوسط استخراج کرد	۱۳۵۵ تا ۱۳۸۶
۱۵	شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	۲۸,۵٪	۱۳۵۱ تا ۱۳۸۶
۱۶	شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	برآورد نکرده	-
۱۷	اقتصاد سایه‌ای شامل تمامی فعالیت‌های معینی است که هم از جنبه اقتصادی مولد بوده و هم کاملاً قانونی هستند اما به دلایل مختلفی از چشم مقامات عمومی پنهان نگهداشته می‌شوند (تعریف حساب‌های ملی ۱۹۹۳).	۱۲,۲۵٪	۱۳۵۴ تا ۱۳۸۶

△ ادامه جدول ۲.

حجم اقتصاد غیررسمی		تعریف اقتصاد غیررسمی	ردیف
بازه زمانی	متوسط اقتصاد غیررسمی نسبت به اقتصاد رسمی		
۱۳۵۹ تا ۱۳۸۸	۳۵,۶٪	اقتصاد غیررسمی به صورت تفاوت میان تولید گزارش شده مبنی بر شاخص‌های زیست‌محیطی و کل تولید شامل تولید گزارش شده و گزارش نشده تعریف می‌شود	۱۸
۱۳۵۲ تا ۱۳۸۷	۲۷٪	شامل تعاریف گوناگون	۱۹
۱۳۵۰ تا ۱۳۸۹	۱۳,۲۶٪ - ۱۵,۰۵٪ - ۱۵,۷۱٪	اقتصاد زیرزمینی از دیدگاه این پژوهش برابر است با همه معاملات بازاری گزارش نشده و غیرقانونی و همچنین فعالیت‌های تولیدی که از حفاظت و مراقبت مقامات ثبت کننده رسمی می‌گریزند و پول نقد ابزار اصلی معاملات آن است.	۲۰
۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸	برآورد نکرده	تعریف توماس و تانزی و فلمینگ	۲۱
۱۳۴۹ تا ۱۳۸۶	۱۳٪	توماس، اقتصاد زیرزمینی را کلیه فعالیت‌هایی که به علی در حساب‌های ملی می‌آیند، تعریف می‌کند. در ادامه فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی را به چهار بخش زیر تفکیک کرده: ۱. بخش خانوار؛ ۲. بخش غیررسمی؛ ۳. بخش نامنظم؛ ۴. بخش غیرقانونی. در این مطالعه بخش نامنظم و غیرقانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد	۲۲
۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰	برآورد نکرده	تعریف توماس اسمیت و اشنايدر	۲۳
۱۹۷۳ تا ۲۰۰۹	۱۶,۱۶٪	شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	۲۴
۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰	۷۶,۲۷٪	شامل تعاریف گوناگون اقتصاددانان	۲۵

△ ادامه جدول ۲.



اقتصاد غیررسمی، زیرزمینی، پنهان، سایه‌ای و یا هر عنوان دیگری که برای این مفهوم استفاده شود بخشی از اقتصاد است که تبعات گوناگونی در سطح خرد و کلان به همراه دارد. از این رو در میان اقتصاددانان، صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌های اقتصادی مدت‌ها مرکز توجه بوده است؛ در نتیجه، بخش قابل‌توجهی از مقالات منتشره شده اقتصادی به‌نحوی به بررسی این مفهوم می‌پردازند. در فصل ۱ این گزارش، هدف مروری بر عمق این مطالعات در ایران بود. به بیان دیگر، نگارنده قصد پاسخگویی به این پرسش را داشت که «در ایران چه مطالعاتی و با چه عمقی به بررسی اقتصاد غیررسمی پرداخته‌اند؟».

نتیجه بررسی به‌طور خلاصه در جدول‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است. در میان ۲۵ مطالعه بررسی‌شده ۴ مطالعه به طور مستقیم منابع و مصارف صندوق‌های تأمین اجتماعی را در بحث خود لحاظ کردند. از طرف دیگر طبق بررسی‌های انجام گرفته کمترین اندازه برای بخش غیررسمی در ایران ۶,۱۹٪ تولید ناخالص داخلی (نادران ۱۳۸۷) و بیشترین اندازه بخش غیررسمی نیز ۷۶,۲۷٪ (نیکوپور ۱۳۸۳) برآورد شده است. علاوه بر آن، نظر به مطالعات بررسی شده بخش غیررسمی به طور میانگین ۱۸,۹۳٪ از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

نکته‌ای که از اهمیت بالایی برخوردار است و مطالعات بررسی شده هیچ‌کدام به آن نپرداخته‌اند، ماهیت اشتغال و بازار کار در بخش غیررسمی است. شاغلان فعال در بخش غیررسمی ویژگی‌های خاصی دارند که از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. از یک طرف حضور در بخش غیررسمی به دلیل موانع مختلفی است که ورود به بخش رسمی دارد. لذا شاغلان در این بخش نسبت به ارگان‌ها و سازمان‌های رسمی کشور بی‌اعتماد شده و تمایل بیشتری به نقض قوانین خواهند داشت. علاوه بر آن، این افراد مشارکت اندکی (یا هیچ‌گونه مشارکتی) در منابع بخش عمومی خواهند داشت. این افراد مالیات نپرداخته و از آنجا که تحت پوشش نظام بیمه مشاغل نیستند در منابع حاصل از حق بیمه‌ها نیز مشارکتی نمی‌کنند.



## ۲- فصل دوم: رابطه بخش غیررسمی و صندوق‌های تأمین اجتماعی

### ۲-۱- تعریف بخش غیررسمی



بخش غیررسمی<sup>۱</sup> با استفاده از تعابیر و مفاهیم گوناگونی مطرح می‌شود. این موضوع حاکی از آن است که این بخش پنهان بوده و اطلاعات در مورد آن اندک است. تعابیری همچون اقتصاد پنهان<sup>۲</sup>، زیرزمینی<sup>۳</sup>، موازی<sup>۴</sup>، سایه‌ای<sup>۵</sup>، سیاه<sup>۶</sup>، ثبت نشده<sup>۷</sup>، گزارش نشده<sup>۸</sup>، نامنظم<sup>۹</sup>، غیرقابل مشاهده<sup>۱۰</sup>، ثانویه<sup>۱۱</sup>، نابازاری<sup>۱۲</sup>، غیرقانونی<sup>۱۳</sup> و تعابیری از این دست همگی از مصادیق بخش غیررسمی اقتصاد هستند. چنین پدیده‌ای در تمام کشورهای جهان و از جمله ایران وجود دارد. باتوجه به مضرات گوناگون این بخش برای اقتصاد، داشتن اطلاعات از ابعاد و اندازه این بخش اهمیت فراوانی دارد زیرا در راستای سیاست‌گذاری برای کاهش حجم این بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**تانزی**<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۶) دو تعریف و مقیاس از اقتصاد زیرزمینی را ارائه می‌کند: اول، به تولید (یا درآمدی) که در آمارهای رسمی ناپدید می‌شود و دوم، به درآمدی که به مقامات دولتی گزارش نشده و توسط آنان کشف نمی‌شود. مقیاس اول بیان می‌کند که کشور مورد نظر از آنچه آمارهای رسمی نشان می‌دهد تولید و درآمد بیشتری دارد و مقیاس دوم تأکید می‌کند که درآمدهای مالیاتی کمتر از آنچه باید باشد دریافت می‌شود (فرار مالیاتی).

1. Informal Sector
2. Hidden Economy
3. Underground Economy
4. Parallel Economy
5. Shadow Economy
6. Black Economy
7. Unrecorded Economy
8. Unreported Economy
9. Irregular Economy
10. Unobserved Economy
11. Secondary
12. Non – Market
13. Illegal
14. Tanzi

**فلمینگ** (۲۰۰۰) در تعریف اقتصاد پنهان دو رویکرد را در نظر می‌گیرد:

▲ رویکرد تعریفی: اقتصاد سایه‌ای را به عنوان فعالیت‌های ثبت نشده اقتصادی نشان می‌دهد.

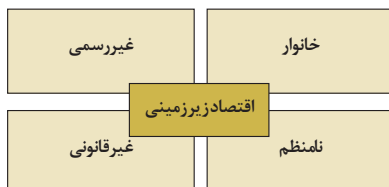
▲ رویکرد رفتاری: بر رابطه قوانین نهادی و محیط اجتماعی تأکید می‌کند.

بر طبق تعریف **نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳**<sup>۲</sup>، بخش غیررسمی به دو دسته طبقه‌بندی می‌شود: تولید غیرقانونی و تولید پنهان.

تولید غیرقانونی بر دو نوع است: ۱. تولید کالاها و خدماتی که فروش، توزیع یا تصرف آنها بر اساس قانون منع شده است و ۲. فعالیت‌های تولیدی که اغلب قانونی هستند اما وقتی توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام شوند (مانند شاغلان به حرفه پزشکی بدون اخذ گواهی‌نامه لازم)، غیرقانونی می‌شوند.

منظور از تولید پنهان فعالیت‌های معینی است که ممکن است هم از جنبه اقتصادی، مولد باشند و هم کاملاً قانونی باشند (در صورتی که معیارها و مقررات را رعایت کرده باشند) اما به دلایلی، اغلب از مقامات پنهان نگه داشته شوند. اجتناب از پرداخت مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده یا دیگر اقسام مالیاتی، خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی، اجتناب از رعایت معیارهای قانونی مشخص مانند کمترین دستمزد، بیشترین ساعت کار، معیارهای حفاظتی یا بهداشتی و مانند اینها و اجتناب از رعایت روش‌های اداری مشخص مانند تکمیل پرسش‌نامه‌های آماری یا دیگر فرم‌های اداری از جمله این دلایل به شمار می‌روند.

بر طبق تعریف **توماس**<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) اقتصاد زیرزمینی کلیه فعالیت‌هایی است که به عللی در تعریف حساب‌های ملی نمی‌آیند و به چهار بخش تقسیم می‌شود: خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی.



Δ شکل ۱: اجزای اقتصادی زیرزمینی به تعبیر توماس (۱۹۹۷)

1. Fleming
2. System of National Accounts (SNA) 1993
3. Thomas

**بخش خانوار:** این بخش کالا و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می‌گردد. فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی در آن باعث می‌شود که ارزیابی ارزش کالاها دشوار شده و در نتیجه در حساب‌های ملی نادیده گرفته شود.

**بخش غیررسمی:** در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاوه بر تولیدات خانگی، در کنار تولیدات سنتی (اغلب در بخش کشاورزی) و بخش صنعتی مدرن، بخش دیگری نیز وجود دارد که مورد توجه اقتصاددانان است. این همان بخش غیررسمی است که معمولاً شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آنها و همچنین کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیررسمی است. اگرچه، کارگاه‌های کوچک بدون کارگر که اغلب در خانه‌ها قرار دارند (کارگاه‌های خانگی)، از نظر تعداد، اهمیت بیشتری دارند.

نکته قابل توجه در مورد بخش غیررسمی این است که «کالا و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و مجاز است». علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی از حسابداری ملی دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است.

**بخش نامنظم:** تمام فعالیت‌های طبقه‌بندی شده در این بخش کم‌وبیش نوعی از ماهیت غیرقانونی بودن مثل فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در محل کار) و تقلب در بیمه اجتماعی و امثال آن را دارند. ویژگی عمده فعالیت‌های این بخش این است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمت، در نحوه تولید و توزیع آن کاری خلاف و غیرقانونی صورت گرفته است. کالاهای تولیدشده در بخش نامنظم، جزء کالاها و خدمات مجاز است و فقط در نحوه تولید یا توزیع آن قانون‌شکنی شده است. لذا هدف مقامات دولتی، جلوگیری از تولید آنها نیست، بلکه تلاش دولت مقابله با قانون‌شکنی‌هایی است که در جریان تولید صورت می‌گیرد.

**بخش غیرقانونی:** تولیدات بخش غیرقانونی شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون نظیر: مال‌دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش مواد افیونی، فحشا (در

برخی کشورها)، و فعالیت‌هایی از این دست می‌شود. باتوجه‌به اینکه خلاف کاران و جنایت کاران، عمل خلاف خود را گزارش نمی‌کنند، بدیهی است مالیت هم پرداخت نکنند

طبق نظر **اشنایدر**<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) بخش غیررسمی شامل همه فعالیت‌هایی است که منجر به تولید ارزش افزوده می‌شود و باید در محاسبات درآمدهای ملی طبق قوانین و مقررات حسابداری ملی (کنوانسیون حسابداری ملی) منظور شود اما در حال حاضر توسط سازمان‌های اندازه‌گیری ملی ثبت نشده است. در نتیجه، بخش غیررسمی شامل تمام تولیدات قانونی مبتنی بر بازار کالا و خدمات است که به عمد از مقامات دولتی به هر یک از دلایل زیر پنهان باشد:

▲ به منظور اجتناب از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده، در آمد یا مالیات‌های دیگر؛

▲ اجتناب از پرداخت (سهم امنیت اجتماعی) مالیات عمومی؛

▲ اجتناب از مواجهه با برخی از قوانین (استانداردها) در بازار کار رسمی؛ به عنوان مثال حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کاری یا استانداردهای ایمنی؛

▲ اجتناب از پیروی از روش‌های خاص اداری از قبیل تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا دیگر فرم‌های اداری.

در حال حاضر، مرکز آمار ایران، بخشی از حساب‌های ملی را بر اساس نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ تهیه می‌کند. در تهیه حساب‌های ملی ایران - به دلیل استفاده از روش‌های غیر مستقیم، به‌ویژه به کارگیری اطلاعات مربوط به جریان کالاها و خدمات، برای برآورد برخی از اقلام، برآورد تولید ملی و آمارهای کلان مرتبط با آن - دست کم بخشی از جریانات غیررسمی و سایه‌ای را پوشش می‌دهد، اما یقیناً بخش‌های عمده و اصلی این جریانات در ارقام مذکور محاسبه و لحاظ نمی‌گردد.

باتوجه‌به تعاریف و مفاهیم گوناگون در مورد بخش غیررسمی می‌توان این بخش را این‌گونه تعریف کرد که بخش غیررسمی آن بخشی از اقتصاد است که تولید ارزش افزوده صورت می‌گیرد اما به هر دلیلی در GDP<sup>۲</sup> ثبت نمی‌شود و می‌تواند شامل کلیه فعالیت‌ها اعم از قانونی و غیرقانونی باشد.

1. Schneider

2. Gross Domestic Product

## ۲-۲- اثرگذاری بخش غیررسمی بر اقتصاد و اثرپذیری اقتصاد از بخش غیررسمی

وجود بخش غیررسمی در هر کشور باعث به وجود آمدن و بروز بسیاری از مفاسد اقتصادی است و در عین حال عواقبی هم بر روند توسعه می‌گذارد؛ در نتیجه، تقریباً تمامی جوامع به خاطر عواقب نامطلوب گسترش بخش غیررسمی سعی در کنترل آن دارند (اشنایدر ۲۰۰۰). در دهه ۱۹۸۰ میلادی توجه و علاقه زیادی به اندازه‌گیری و کشف آثار و علل پدیده اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد سیاه به وجود آمده است (سیلورمن<sup>۱</sup> ۱۹۸۶). عواملی مانند افزایش مالیات‌ها و سهم بیمه‌های اجتماعی، درآمد سرانه، محدودیت‌های تجاری، بیکاری، رشد قیمت کالاهای مصرفی، شاخص مقررات، نوع و حساسیت مقررات دولتی، نوع پرداخت‌های اجتماعی، قوانین بازار کار، کیفیت نظام تأمین اجتماعی، چگونگی و قیمت ارائه خدمات دولتی، میزان اثرپذیری و اثرگذاری از اقتصاد رسمی، رشوه، فساد اداری و مالی، سیاست‌های حمایتی و نحوه برخورد و اجرای قوانین به عنوان مهم‌ترین دلایل پیدایش و گسترش بخش غیررسمی بیان می‌شود و عواملی همچون مصرف سرانه، نرخ ارز، تقاضا برای پول و مصرف انرژی از این بخش اثر می‌پذیرند.

### ۲-۲-۱- مهم‌ترین عوامل اثرگذار

**درآمد سرانه:** افزایش درآمد سرانه و تأمین حداقل منابع لازم برای زندگی می‌تواند انگیزه پذیرش ریسک اعمال غیرقانونی و غیررسمی را کاهش داده و موجب کاهش حجم بخش غیررسمی شود. شواهد تجربی نیز حکایت از آن دارد که با افزایش درآمد سرانه کشورها، حجم بخش غیررسمی در آنها کاهش می‌یابد (اشنایدر ۲۰۱۲)؛ البته در حالتی که این درآمد سرانه افزایش یافته توزیع عادلانه و مناسب داشته باشد.

**بار مالیاتی و سهم بیمه تأمین اجتماعی:** مالیات‌ها بر انتخاب میزان فراغت نیروی کار اثرگذار بوده و همچنین بر عرضه نیروی کار در بخش غیررسمی یا بخشی از اقتصاد که بر آن مالیات وضع نمی‌شود، اثرگذارند؛ زیرا هرچه اختلاف بین هزینه نیروی کار در بخش رسمی برای بنگاه و دستمزد دریافتی نیروی کار در این بخش بیشتر باشد،

1. Silverman

مالیات بیشتری گرفته شده و یا بنگاه سهم بیشتری برای تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند، همچنین بنگاه و نیروی کار انگیزه بالاتری برای فعالیت در بخش غیررسمی پیدا می‌کنند. تا زمانی که این اختلاف به صورت وسیعی به بار مالیاتی کل و سیستم تأمین اجتماعی وابسته باشد، این عوامل از عوامل کلیدی وجود و افزایش بخش غیررسمی محسوب می‌شوند (اشنایدر ۲۰۰۰).

**محدودیت‌های تجاری:** در کشورهای در حال توسعه علاوه بر محدودیت‌های تعرفه‌ای از سیاست‌های غیر تعرفه‌ای مانند ممنوعیت واردات یا صادرات برخی از اقلام به طور کلی یا موقت، قطع یا محدود ساختن رابطه تجاری با کشور یا کشورهای خاص، سهمیه‌بندی مقدار واردات یا صادرات برخی از کالاها و خدمات نیز استفاده می‌شود. اغلب در سیاست‌های تجویزی، راه مقابله با گسترش بخش غیررسمی را کاهش محدودیت‌های قانونی عنوان می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود با کاهش محدودیت‌های قانونی مربوط به تجارت خارجی (مانند: سهمیه‌ها و ممنوعیت‌ها) اندازه این پدیده نیز کاهش یابد.

**تورم (رشد قیمت کالاهای مصرفی):** رشد سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی به دلایل مختلفی می‌تواند به بزرگ شدن اندازه بخش غیررسمی منجر شود. با توجه به وضعیت نابرابری توزیع درآمد، با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تعداد زیادی از خانوارها زیر سطح خط فقر قرار خواهند گرفت و فقر و ناتوانی در تأمین حداقل درآمد، پذیرش مخاطره ورود به فعالیت‌های زیرزمینی را افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، سهم قابل توجهی از جمعیت شاغل کشور در فعالیت‌های مزد و حقوق‌بگیری مشغول به کار هستند؛ تشدید تورم، قدرت خرید درآمد این افراد را کاهش می‌دهد که در نتیجه، انگیزه برای فعالیت‌های جانبی در بخش غیررسمی افزایش پیدا می‌کند.

**بیکاری:** بیکاری یکی از بزرگترین و فراگیرترین مشکلات اقتصادی جوامع در قرن بیست و یکم است. در جوامع پیشرفته صنعتی بیکاری هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌سازد و در کشورهای در حال توسعه بیکاری گسترده در پیوند با فقر اقتصادی می‌تواند مخاطرات بسیاری را متوجه جامعه و اقتصاد نماید. رشد بیکاری و کاهش فرصت‌های شغلی آدمی را به هر کاری ترغیب می‌کند. لذا انگیزه فعالیت در حوزه‌های غیرمجاز و ممنوعه افزایش می‌یابد. از این رو بیکاری در زمره دلایل رشد اقتصاد غیررسمی قرار می‌گیرد (صامتی و همکاران ۱۳۸۸). ناتوانی در تأمین حداقل درآمد برای گذراندن زندگی از طریق فعالیت در بخش رسمی افراد را به سوی

فعالیت‌های غیر قانونی در بخش غیر رسمی سوق می‌دهد.

به عنوان مثال در کشورهای در حال توسعه برای حفاظت از درآمد و جلوگیری از بیکاری، قانون بیمه بیکاری ارائه و تنظیم شده است که این سیستم تنها **اقلیتی** از نیروی کار را پوشش می‌دهد. البته بیمه بیکاری می‌تواند منجر به سوء ترویج بیکاری و هزینه‌های بزرگ مالی به خصوص در حضور اشتغال غیر رسمی و ضعف ظرفیت‌های نهادی برای نظارت بر کارایی و وضعیت اشتغال شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد در کشورهایی با درآمد بالا بین سطح و مدت زمان مزایا و طول بیکاری همبستگی مثبت وجود دارد که می‌تواند به نرخ بیکاری بالاتر منجر شود (فرولیک<sup>۱</sup> ۲۰۱۴).

**شدت مقررات:** افزایش در شدت مقررات (که اغلب به وسیله تعداد قوانین و مقررات اندازه‌گیری می‌شود) یکی از علل عمده در کاهش آزادی و انتخاب‌های فردی در اقتصاد رسمی است. مقررات بازار کار، محدودیت‌های تجاری و دیگر محدودیت‌ها را می‌توان نمونه‌هایی از شدت مقررات برشمرد. مقررات زیاد از حد ممکن است به افزایش قابل توجه هزینه‌های کار کردن در اقتصاد رسمی منجر شود. از آنجا که بخش عمده‌ای از این هزینه‌ها به کارمندان و کارگران منتقل می‌شود، این امر باعث انگیزه برای کار کردن در بخش غیر رسمی است (بوئو<sup>۲</sup> ۲۰۰۰).

## ۲-۲-۲- مهم‌ترین عوامل اثرپذیر

**تقاضا برای پول در گردش:** بسیاری از تلاش‌های انجام شده در ایران و جهان در ارتباط با اندازه‌گیری بخش غیر رسمی با استفاده از روش‌های پولی بوده و بر این فرض استوار است که عاملان فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی ترجیح می‌دهند معاملات خود را با پول نقد انجام دهند. بر این اساس با افزایش بخش غیر رسمی انتظار می‌رود نسبت پول در گردش و سرعت گردش آن نیز افزایش پیدا کند.

**مصرف انرژی:** افزایش یا کاهش تولید کالا و خدمات در کل اقتصاد (رسمی و غیر رسمی) با توجه به نیازمندی به عوامل تولید (از جمله نهاده انرژی) بر میزان مصرف عوامل اثر می‌گذارد و در اطلاعات مربوط به آنها منعکس می‌شود. بنگاه‌های تولیدی و خدماتی با توجه به اینکه از مواد اولیه و عوامل تولید برای تولید کالا و ارائه خدمات بهره می‌جویند.

1. Frolich

2. Boueve

افزایش در استفاده از انرژی (به عنوان عامل تولید) به معنای افزایش در تولید کالا و خدمات در اقتصاد رسمی و غیررسمی محسوب می‌شود، بنابراین افزایش در مصرف انرژی می‌تواند نشانگر افزایش در تولید کالا و خدمات در بخش غیررسمی باشد. در مقابل گسترش بخش غیررسمی نیز منجر به افزایش در مصرف انرژی می‌شود.

## ۲-۳- منابع تأمین اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزد و حقوق‌بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. بر اساس قانون، سازمان تأمین اجتماعی «یک سازمان عمومی غیردولتی» است که بخش عمده منابع مالی آن از محل **حق بیمه‌ها** (با مشارکت بیمه شده، کارفرما و دولت) تأمین می‌شود. به همین دلیل، دارایی‌ها و سرمایه‌های آن متعلق به ائتلاف تحت پوشش در نسل‌های متوالی است و نمی‌تواند قابل ادغام با هیچ‌یک از سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا غیردولتی باشد. تکیه‌گاه اصلی این سازمان مشارکت سه‌جانبه کارفرمایان، بیمه‌شدگان و دولت در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین منابع مالی است.

اصول و مبانی بیمه‌گری این سازمان به‌نحوی تنظیم شده که بین اهداف اصلی آن با اهداف کلان نظام اقتصادی کشور همسویی کامل وجود دارد. از یک سو، رونق فعالیت‌های تولیدی و صنعتی موجب افزایش جمعیت تحت پوشش بیمه و تقویت منابع مالی این سازمان می‌شود. از سوی دیگر، پوشش بیمه‌ای کارگران به افزایش اطمینان خاطر، ایجاد امنیت روحی و سلامت جسمی و در نهایت ارتقای بهره‌وری نیروی کار می‌انجامد. همچنین همه عواملی که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی را تحت تأثیر قرار دهد بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی نیز اثر گذار است.

تعهدات این سازمان برابر استانداردهای تعیین شده به وسیله سازمان بین‌المللی کار<sup>۱</sup> و هیئت بین‌المللی تأمین اجتماعی<sup>۲</sup> تنظیم شده و بالاترین حد این استانداردها را در برمی‌گیرد. چگونگی تحقق این تعهدات و آرایه خدمات به وسیله این سازمان را قانون معین کرده است. مهمترین تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای

1. International Labour Organization (ILO)

2. Internationa Sosial Security Assosiation (ISSA)



قانون تأمین اجتماعی و مقررات مربوط به آن، به شرح زیر است (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰):

۱	حمایت در برابر حوادث، بیماری‌ها و بارداری	۵	مستمری بازنشستگی
۲	مستمری از کارافتادگی	۶	مستمری بازماندگان
۳	مقرری بیمه بیکاری	۷	غرامت دستمزد ایام بیماری
۴	پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی	۸	کمک هزینه ازدواج

Δ جدول ۳: تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی

از این رو، برای تقویت سازمان تأمین اجتماعی باید به تقویت منابع آن پرداخته شود. عوامل گوناگونی در میزان افزایش و کاهش منابع و درآمدهای صندوق‌های تأمین اجتماعی اثر گذار هستند. از آن جمله می‌توان به عوامل سازمانی و نهادی، میزان کارایی نهادهای غیر رسمی، عدم ثبات و کارایی در نهادهای رسمی و نظام اداری، هزینه‌های تغییر، پافشاری بر عادات، نرخ تورم، نرخ بیکاری، افزایش نرخ سالمندی، بی‌ثباتی در فعالیت‌های اقتصادی، سطح حداقل دستمزدها، نرخ‌های حق بیمه، تعداد بیمه شده‌ها، افزایش حوادث و سوانح در کشور و رشد روزافزون هزینه‌های درمان اشاره کرد.

به عنوان مثال در سال ۱۳۹۰ جمع کل منابع سازمان ۲۷۷:۴۳۵ و کل مصارف آن ۱۵۹:۴۲۵ میلیارد ریال بوده است. در این سال نسبت مصارف به منابع سازمان ۰.۵۷ بود (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰) که نسبت به سالهای گذشته کاهش داشته است. منابع تأمین اجتماعی از چند کانال اساسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد که با اصلاح آنها، می‌توان منابع صندوق‌ها را افزایش داد:

▲ **تعداد بیمه شدگان** از جمله عوامل مهم اثر گذار بر منابع صندوق‌ها است که خود تحت تأثیر مستقیم جمعیت فعال در بخش رسمی اقتصاد قرار دارد. به این ترتیب که کاهش تعداد افراد تحت پوشش (جمعیت فعال در بخش رسمی) کاهش منابع در اختیار سازمان را به دنبال خواهد داشت. اگرچه، افزایش تعداد بیمه‌شدگان علاوه بر افزایش منابع نقدی فعلی به افزایش تعهدات آتی سازمان نیز منجر می‌شود.

به عنوان مثال در ایران طبق جدول ۴ تعداد شاغلین و بیمه‌شدگان در چند سال

گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. بیمه شدگان شامل بیمه سازمان تأمین اجتماعی، بیمه عشایر، بیمه بخش نظامی و سایر بیمه‌ها است. تعداد شاغلین بخش غیررسمی از تفاوت تعداد شاغلین کل کشور و تعداد کل بیمه شدگان به دست می‌آید. در این جدول نرخ عدم رسمیت از نسبت بخش غیررسمی بر تعداد کل بیمه شدگان تعریف می‌شود. درصد اندازه بخش غیررسمی از نسبت بخش غیررسمی بر جمعیت کل کشور حاصل شده است. حق بیمه بالقوه حق بیمه‌ای است که در صورت پیوستن بخش غیررسمی به بخش رسمی دریافت می‌شود و می‌تواند منابع را افزایش دهد. حق بیمه بالقوه از حاصل ضرب تعداد فعالان بخش غیررسمی در ۳۰ درصد حداقل دستمزد رسمی ماهانه در سال مورد نظر به دست می‌آید که با در نظر گرفتن ۱۲ ماه در یک سال این عدد برای یک سال مورد نظر نیز حاصل می‌شود. با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌شود که مقدار حق بیمه بالقوه عدد قابل توجهی دارد و هر ساله از دسترس خارج می‌شود. در صورت تحت پوشش قرار گرفتن افراد در بخش غیررسمی این رقم سالانه به منابع تأمین اجتماعی افزوده می‌شود.

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
جمعیت کل کشور (میلیون نفر)	۷۰	۷۳	۷۴	۷۵
تعداد شاغلین (میلیون نفر)	۲۰	۲۱	۲۱	۲۰
تعداد کل بیمه شدگان (میلیون نفر)	۱۳	۱۵	۱۵	۱۶
بخش غیررسمی (میلیون نفر)	۸	۶	۵	۴
نرخ عدم رسمیت	۰.۶۲	۰.۴۰	۰.۳۳	۰.۲۵
درصد اندازه بخش غیررسمی (%)	۴۰	۲۹	۲۴	۲۰
حق بیمه بالقوه	۳.۶	۴.۹	۴.۵	۳.۶
	سالانه (هزار میلیارد ریال)	۴۳.۶	۵۸.۸	۵۴
				۴۳.۶

Δ جدول ۴: برآورد اندازه بخش غیررسمی

▲ **افزایش سن جمعیت فعال** در بخش رسمی اقتصاد و رسیدن به سن بازنشستگی و استفاده از بیمه بازنشستگی باعث می‌شود که منابع کاهش پیدا کند. اکثر کشورها بدون در نظر گرفتن درآمد، برنامه صندوق‌های بازنشستگی را اجرا کرده‌اند که یکی از توجیهات‌شان این است که این صندوق‌ها افراد را در بازنشستگی از فقر نجات می‌دهد. اما این برنامه‌ها برای نظم دادن به یک طرح پس‌انداز دارای اشکال است. چرا که مهارت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری کارآمد را ندارند (فرولیک ۲۰۱۴).

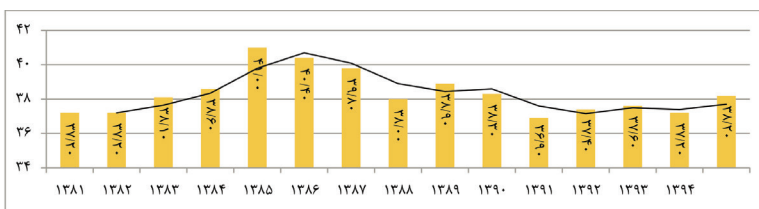
▲ **تأکید بر وجود نظام چند لایه تأمین اجتماعی ایران** که افراد برای پوشش کامل بیمه‌ای باید در یکی از لایه‌های نظام تأمین اجتماعی قرار داشته و به نحوی تحت پوشش بیمه و مراقبت‌های بهداشتی قرار بگیرند. پیاده‌سازی چنین نظامی هزینه‌های مختلفی به همراه دارد. بخشی از این هزینه‌ها به دوش افراد تحت پوشش قرار گرفته و بخشی نیز به عهده سازمان تأمین اجتماعی و ارگان‌های ذی‌مدخل خواهد بود. در نتیجه پیاده‌سازی این نظام تأثیرات چندجانبه‌ای بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی خواهد داشت.

الگوی پیشنهادی در ایران مبتنی بر ماده ۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه است. این طرح سه لایه مساعدت اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی و بیمه‌های مکمل را پیشنهاد داده است. علاوه بر آن ماده ۴۲ قانون برنامه پنجم توسعه بحث فراگیری پوشش بیمه‌ها را تکلیف کرده است. مدل پیشنهادی در ایران با توجه به قوانین و وضعیت کنونی به این شرح پیشنهاد شده است: «**یک سطح حمایتی کامل برای کسانی که نمی‌توانند وارد فرایند توانمندسازی کامل بشوند مانند معلولان ذهنی و...؛ لایه حمایت نسبی فراتر با هدف توانمندسازی افراد برای دسترسی به اشتغال و خروج از لایه پایین تر که ذیل حیطه بیمه‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد. لایه مکمل نیز مربوط به افرادی است که توان پرداخت بهای خدمات مضاعف تأمین اجتماعی را دارا هستند**». طبق قانون در لایه مساعدتی کسانی قرار می‌گیرند که از ۰ تا ۴۰ درصد حداقل دستمزد قانونی را دریافت می‌کنند. در لایه بیمه‌های اجتماعی اجباری دریافت کنندگان ۱۰۰ تا ۷۰۰ درصد حداقل دستمزد قانونی مشمول پوشش هستند (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳). خدمات مربوط به لایه مکمل بسته به توانمندی مالی متقاضیان آن ارائه می‌شود.

## ۲-۴- رابطه منابع تأمین اجتماعی و بخش غیررسمی

از آنجا که با افزایش تعداد بیمه‌شدگان در بخش رسمی اقتصاد منابع صندوق‌ها افزایش می‌یابد؛ بنابراین با گسترش بخش غیررسمی اقتصاد که به دنبال آن افزایش جمعیت فعال در این بخش را به همراه دارد، تعداد بیمه‌شدگان کاهش یافته و منابع تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد. در نتیجه، کنترل بخش غیررسمی با منافع بخش عمومی برخی از ارگان‌های عمومی غیردولتی همچون سازمان تأمین اجتماعی تقابل دارد. در اینجا با کاربری سیاست‌های ترغیبی اولاً با بهبود فضای کسب کار، بیکاری کاهش یافته و منجر به رشد جمعیت فعال می‌شود؛ دوماً جمعیت فعال موجود از بخش غیررسمی به سمت بخش رسمی سوق داده می‌شود، و سوماً با وجود بخش غیررسمی ممکن است بتوان منابع تأمین اجتماعی را افزایش داد.

به عنوان مثال در ایران نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار در سال ۱۳۹۴ (نرخ مشارکت اقتصادی) معادل ۳۸٫۲٪ است. این نرخ در سال‌های گذشته با یک‌الی دو درصد بالاتر و یا پایین‌تر نشان‌دهنده درصد پایین حضور در بخش رسمی کشور است. به تبع آن مشارکت در صندوق‌های تأمین اجتماعی نیز پایین است (مرکز آمار ایران).

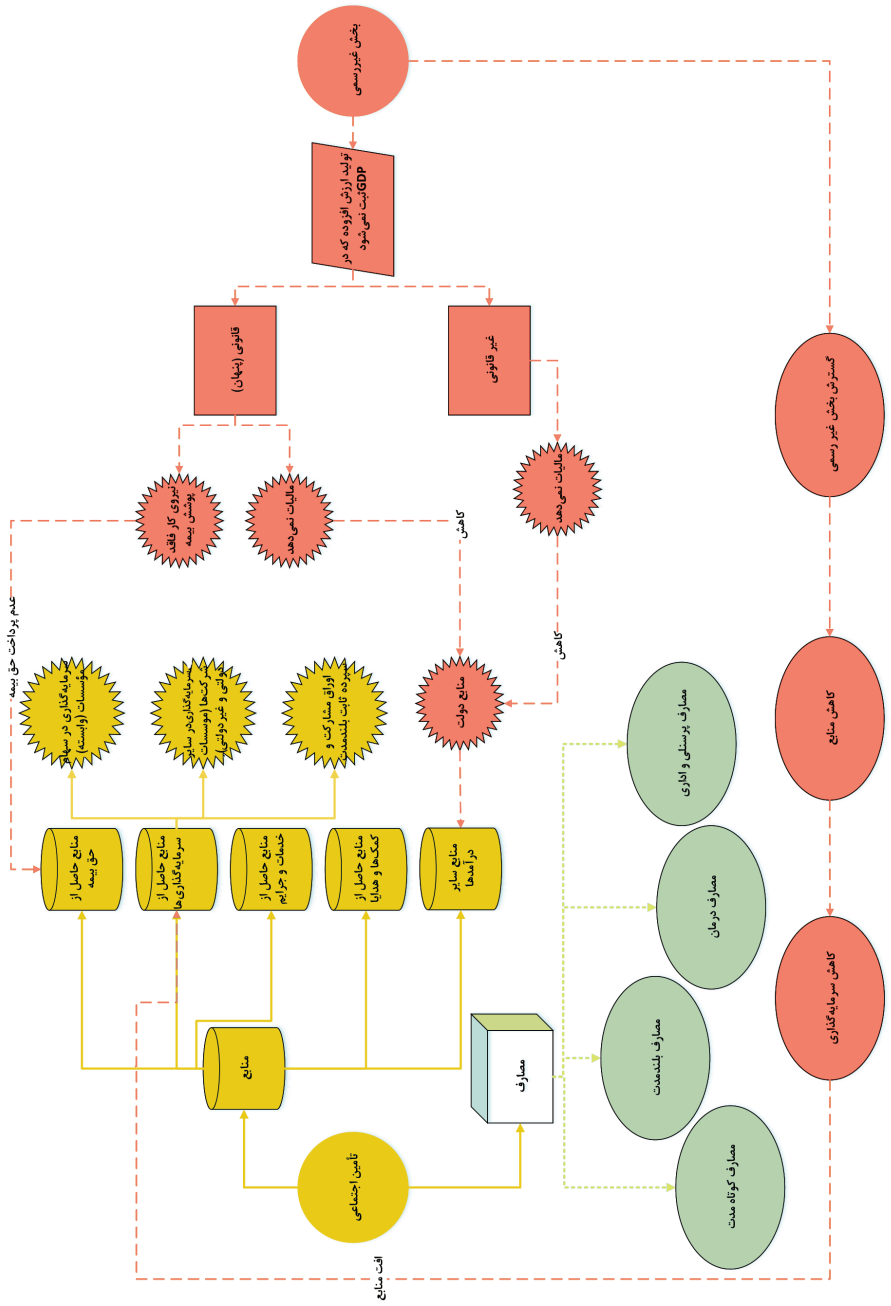


Δ نمودار ۱: نرخ مشارکت اقتصادی (منبع: مرکز آمار ایران)

به منظور کشف ارتباط میان بخش غیررسمی و منابع تأمین اجتماعی در ابتدا می‌توان منابع تأمین اجتماعی را دسته‌بندی کرد. تأمین اجتماعی از نظر منابع و مصارف به چند دسته تقسیم می‌شود:

منابع	مصارف
۱- منابع حاصل از حق بیمه	۱- مصارف کوتاهمدت
۲- منابع حاصل از کمک‌ها و هدایا	۲- مصارف بلندمدت
۳- منابع حاصل از سرمایه‌گذاری ۳-۱- اوراق مشارکت و سپرده ثابت بلندمدت ۳-۲- سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و مؤسسات تابعه (وابسته) ۳-۳- سرمایه‌گذاری در سایر شرکت‌ها (مؤسسات دولتی و غیردولتی)	۳- مصارف درمان
۴- منابع حاصل از خسارات و جرایم	
۵- منابع سایر درآمدها	۴- مصارف پرسنلی و اداری

با توجه به تعاریفی که از بخش غیررسمی ارائه شد، این بخش شامل تولید ارزش افزوده بدون ثبت در GDP بوده و به دو دسته قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌شود. زمانی که تولیدات و فعالیت‌ها به طور غیرقانونی صورت می‌گیرند پرداخت مالیات به دولت انجام نمی‌شود. در نتیجه منابع دولت کاهش می‌یابد و دولت در بازپرداخت تعهدات خود به سازمان تأمین اجتماعی باز می‌ماند. از طرف دیگر، زمانی که تولیدات و فعالیت‌ها به طور قانونی ولی پنهان انجام می‌گیرد، از آنجایی که در جایی ثبت نمی‌شود و نیروی کار مشغول در این فعالیت‌ها تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرد؛ در نتیجه از کانال منابع حاصل از حق بیمه موجب کاهش منابع تأمین اجتماعی می‌شود؛ از طرفی از کانال مالیات نیز منابع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مجموع با گسترش بخش غیررسمی که از کانال‌های فوق موجب کاهش منابع تأمین اجتماعی می‌شوند، در نهایت منابع موجود برای سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌گیرند.



بخش غیررسمی تعاریف متعددی دارد. اگرچه، برآیند تمامی تعاریف این است که بخش غیررسمی بخشی از اقتصاد را در بر می‌گیرد که به طور کامل و یا بخشی از آن در ارگان‌های ذی‌مدخل ثبت نشده است؛ از طرف دیگر، بخش غیررسمی می‌تواند فعالیت‌هایی را در بر بگیرد که فی‌نفسه غیرقانونی هستند و یا شامل فعالیت‌هایی شود که محصولی غیرقانونی تولید نمی‌کنند اما به عنوان مثال استانداردهای رسمی در انجام فعالیت‌ها لحاظ نشده و در نتیجه، توسط ارگان‌های ذی‌ربط مجوز قانونی فعالیت ندارند.

نکته حائز اهمیت بعدی عواملی است که بر اندازه بخش غیررسمی اثر گذاشته و یا از آن اثر می‌پذیرند. از جمله مواردی که به شکل‌گیری بخش غیررسمی دامن می‌زنند می‌توان به موانع اشتغال در بخش رسمی اشاره کرد. نبود فرصت‌های شغلی کافی و یا نبود شایسته‌سالاری در بازار کار جمعیت فعال را نسبت به ورود به بازار کار از مجرای اصلی ناامید می‌کند. از طرف دیگر فضای نامناسب کسب و کار نیز نقش مهمی در این امر ایفا می‌کند. زمانی که موانع زیادی بر سر راه ثبت شرکت‌ها قرار بگیرد و از طرف دیگر هزینه‌های مبادله تأسیس بنگاه جدید بالاتر از نقطه سربه‌سری قرار بگیرد، انگیزه برای تأسیس قانونی و رسمی بنگاه‌های تولیدی کاهش پیدا می‌کند. نتیجه نهایی این امر گسترش تولیدی‌های ثبت نشده و بخش غیررسمی در اقتصاد کشور است.

از طرف دیگر، شکل‌گیری بخش غیررسمی تبعات مختلفی نیز در بر دارد. یکی از تبعات بخش غیررسمی کاهش قدرت رقابتی بنگاه‌های بخش رسمی است. از آنجا که هزینه تولید در بخش رسمی نسبت به بخش غیررسمی بالاتر است، فعالان بخش رسمی به آستانه تعطیلی می‌رسند. علاوه بر آن، گسترش بخش غیررسمی به معنای افزایش مصرف نهاده‌های تولید از جمله انرژی است. به بیان دیگر تولیدکنندگان بخش غیررسمی بدون پرداخت بهای حقیقی انرژی مصرفی، از آن جهت تولید محصولات خود بهره می‌برند. همچنین، فعالان بخش غیررسمی در منابع عمومی جامعه از جمله حق بیمه و مالیات مشارکتی نمی‌کنند.

سازمان تأمین اجتماعی کشور بزرگترین عرضه‌کننده خدمات بیمه‌ای در سطح کشور است. این سازمان جهت عرضه خدمات خود منابع مختلفی دارد؛ هر چند، بزرگترین منبع تأمین مالی منابع سازمان حق بیمه‌های پرداختی فعالان در بخش رسمی (بیمه‌شدگان

اصلی) است. از طرف دیگر، بخش قابل توجهی از حق بیمه‌ها از سوی دولت بوده و عموماً به شکل بدهی دولتی ثبت می‌شود. در نتیجه، گسترش بخش غیررسمی از یک طرف حق بیمه‌ها را کاهش داده و از طرف دیگر با کاهش منابع مالیاتی دولت امکان تسویه بدهی‌های دولت را کاهش می‌دهد.

### ۳- فصل سوم: مطالعات تجربی و بررسی‌های تطبیقی

#### ۳-۱- سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در ترغیب پیوستن بخش غیررسمی به صندوق‌های تأمین اجتماعی

از آنجا که رابطه بین حجم بخش غیررسمی و مشارکت در صندوق‌های تأمین اجتماعی یک رابطه منفی است، سیاست‌های تشویقی و یا تنبیهی برای کاهش حجم بخش غیررسمی به جهت پیوستن به صندوق‌ها و به تبع آن افزایش منابع صندوق‌ها یک امر ضروری است. از طرفی چون وجود بخش غیررسمی در هر کشوری اجتناب‌ناپذیر است و همواره بخشی از اقتصاد در این زمینه فعالیت می‌کند، سیاست‌هایی نیاز است که با وجود بخش غیررسمی هم بتوان افراد را به مشارکت در صندوق‌ها تشویق کرد. به همین منظور، بسیاری از کشورها سیاست‌هایی را پیشنهاد می‌کنند تا با وجود بخش غیررسمی کارکنان‌شان آنها به مشارکت در صندوق‌های تأمین اجتماعی تشویق شوند. در ادامه به معرفی سیاست‌هایی برای کاهش حجم بخش غیررسمی پرداخته می‌شود و همچنین مثال‌هایی از نمونه‌های موفق در کشورها و نقاط مختلف جهان بیان می‌شود.

#### ۳-۲- نمونه‌هایی از سیاست‌گذاری در کشورهای موفق

بنگلادش (وی هو<sup>۱</sup> ۲۰۰۹) یکی از کشورهای فقیری است که افراد در بخش غیررسمی و خصوصی تا سال ۱۹۹۸ تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی قرار نمی‌گرفتند. در سال ۱۹۹۸ دولت بنگلادش با هدف کاهش فقر سالمندان سیستمی برای کمک‌های اجتماعی معرفی کرد. این سیستم شهروندان کم درآمد ۶۲ سال

1. Wei Hu



به بالا را تحت پوشش قرار می‌دهد. در سال ۲۰۰۰ بانک گرامین بنگلادش طرح گرامین حقوق بازنشستگی<sup>۱</sup> و سیستم اعطای وام را برای مردم فقیر معرفی کرد. به این ترتیب که تمام وام‌گیرندگان در بانک اقدام به افتتاح حساب می‌کنند؛ نرخ بهره سپرده کوتاه‌مدت ۸٪ بوده و نیاز به واریز ماهانه دارد. نرخ بهره برای سپرده‌های یک تا سه ساله ۱۰٪ و برای سپرده‌های سه تا پنج ساله ۱۲٪ است. بعد از ۱۰ سال مقدار سپرده دو برابر خواهد شد. این سیستم (GPS) در بنگلادش در سال‌های اخیر به نسبت محبوب بوده است.

در شیلی (وی هو ۲۰۰۹) سیستم حقوق بازنشستگی در ۱۹۸۰ با هدف اطمینان از حداقل حقوق بازنشستگی برای افراد مسن معرفی شده است. در سال ۲۰۰۸ این سیستم برای گسترش دسترسی به حداقل حقوق بازنشستگی جمعیتی که بیشتر آنها در بخش غیررسمی کار می‌کردند اصلاح شد. هر چند که مشارکت در صندوق برای افراد حاضر در بخش رسمی الزامی است اما مشارکت در صندوق‌ها برای افرادی که در بخش غیررسمی حضور دارند داوطلبانه است. نرخ مشارکت در صندوق ۱۰٪ درآمد شرکت‌کنندگان است. اگر به هر دلیلی منابع صندوق برای تأمین مالی حداقل حقوق بازنشستگان کافی نباشد، دولت شیلی کسری بودجه را تأمین می‌کند.

در ابتدا یک سیستم بازنشستگی همبسته برای ارتقاء پس‌انداز دوران بازنشستگی طراحی شد. در ادامه سیستم فوق جایگزین سیستم حقوق بازنشستگی شد. سیستم پس‌انداز دوران بازنشستگی برای جمعیت کم‌درآمد این کشور با دو نوع از مزایا طراحی شد؛ اول پیشنهاد حکم اصلاح حقوق بازنشستگی و پیوستن به حساب بازنشستگی فردی ظرف مدت ۷ سال پس از اصلاحات برای افراد ۶۵ سال یا بیشتر که دست کم ۲۰ سال است در شیلی زندگی می‌کنند؛ و دوم پیشنهاد یارانه به کارگران کم‌درآمد (کسانی که درآمدی کمتر از ۱.۵ برابر حداقل دستمزد دارند) بین سنین ۱۸ و ۳۵ سال برای ۲۴ ماه اول اشتغال آنها پس از رسمی شدن به منظور ترویج مشارکت کارکنان جوان.

در چین (وی هو ۲۰۰۹) سیستم بازنشستگی بین جمعیت شهری و روستایی تفکیک شده است. سیستم حقوق بازنشستگی در مناطق شهری که در سال ۱۹۹۷ اصلاح شده شامل ویژگی‌های حقوق بازنشستگی دولتی و خصوصی است. در مناطق روستایی

۶۰ درصد کل جمعیت کشور را در بر می‌گیرد، سیستم بازنشستگی رسمی مؤثری وجود ندارد. گزینه‌های مختلفی برای ارائه پوشش بازنشستگی به کارکنان بخش غیررسمی در چین در دسترس هستند.

اول اینکه می‌توانند در سیستم بازنشستگی که برای بخش رسمی و غیررسمی وجود دارد مشارکت کنند. اگرچه، با توجه به نبود مقررات و نرخ انطباق پایین، کارکنان کمی از بخش غیررسمی در آن مشارکت می‌کنند. برای تشویق مشارکت برخی از موارد نیازمند انعطاف بیشتری هستند. برای مثال در بسیاری از موارد میزان سهم کارکنان از حق بیمه از ۲۸٪ (۲۰٪ کارفرما و ۸٪ کارمند) به ۲۰٪ کاهش یافت. دولت در سال ۱۹۹۹ طرح تضمین حداقل درآمد را - با هدف تهیه مقدار معادل ۲۰٪ متوسط حقوق و دستمزد برای کسانی که در مناطق شهری نمی‌توانند به اندازه کافی برای خود تأمین مالی کنند - در سطح مناطق شهری اجرا کرد.

دوم اینکه علاوه بر سیستم بازنشستگی عمومی، کارگران بخش خصوصی نیز می‌توانند به طور داوطلبانه به ترتیبات بازنشستگی شغلی ملحق شوند. این امر در چین به عنوان «شرکت مقرری» شناخته شده است. با این حال با توجه به ماهیت مشارکت داوطلبانه و تعداد زیاد کارفرمایان خیلی از افراد در چین در طرح بازنشستگی عمومی شرکت نکرده‌اند. در عمل کارکنان بسیار کمی از بخش غیررسمی در این طرح شرکت کرده‌اند.

سوم اینکه برای خویش فرماها در چین شکل دیگری از شرکت در سیستم بازنشستگی به اسم خرید بیمه عمر وجود دارد که به طور فزاینده رایج است. تلاش شرکت‌های بازاریابی با توجه به شرکت‌های بیمه و شرایط سخاوتمندانه ارائه شده، باعث شدند بسیاری از افراد در بخش غیررسمی خریدار این بیمه‌نامه‌ها شوند. این گزینه اغلب مربوط به کارکنان شاغل در مناطق شهری است. کسانی که در روستاها کار می‌کنند، مانند کشاورزان، تحت پوشش سیستم بازنشستگی نیستند و تنها استثنا این طرح برای کسانی است که حداقل درآمد را ندارند.

دولت چین در مورد پوشش کم سیستم بازنشستگی در بخش غیررسمی به‌ویژه در مناطق روستایی نگران است. بنابراین به منظور تشویق مشارکت داوطلبانه در حقوق بازنشستگی شغلی، دولت مرکزی متوجه استقرار صندوق‌های بازنشستگی جمعی شده است که به طور مستقیم کسب و کارهای کوچک و متوسط<sup>۱</sup> را هدف قرار

1. Small and Medium Enterprises (SME)

می‌دهند. سیستم بازنشستگی گزینشی<sup>۱</sup> (CPF) - که انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به سیستم سنتی سالانه بنگاه<sup>۲</sup> (EA) دارد- در این کشور طراحی شده که نیاز به معیارهای سختگیرانه‌تری برای مشارکت در صندوق‌ها داشت. همچنین برای مناطق بزرگ روستایی چین سیستم تنظیم‌کننده بیمه‌ای طراحی شده است که شرکت‌های بیمه را برای ارائه محصولات مناسب تشویق می‌کند. برخی از محصولات مناسب شامل انعطاف‌پذیری و راحتی در مشارکت صندوق‌ها می‌شود. باتوجه‌به اینکه برخی از کشاورزان زمین‌های خود را - باتوجه‌به صنعتی شدن سریع در چین - از دست می‌دهند، برخی از محصولات شرکت بیمه، شامل پرداخت غرامت مالی به این گونه کشاورزان می‌شود. علاوه بر آن، «جبران خسارت مالی» طرحی است که در آن به جای پرداخت مستقیم نقدی به کشاورزان، پرداخت برای خرید محصولات خاصی از بیمه برای بازنشستگی صورت می‌گیرد.

در هندوستان (وی‌هو ۲۰۰۹) طرح‌های بسیاری وجود دارند که در ۳ دسته گروه‌بندی می‌شوند: برنامه امنیت اجتماعی، طرح‌های مرتبط با اشتغال (اجباری و داوطلبانه) و ترتیبات داوطلبانه فردی. در حدود ۱۲ درصد از جمعیت هند تحت پوشش سیستم بازنشستگی قرار دارند. در حالی که باقی ساکنین کشور توسط جوامع محلی، مؤسسات خیریه و خانواده‌ها پشتیبانی می‌شوند. کارمندان بخش رسمی هند با برنامه‌های بازنشستگی اجباری و داوطلبانه پوشش داده شده‌اند. در حالی که در بخش غیررسمی تعداد کسانی که در سیستم داوطلبانه شرکت کرده‌اند از سیستم بازنشستگی اجباری بسیار کمتر است. سیستم بازنشستگی هند در درازمدت پایدار اعلام شده است. به منظور مقابله با چالش‌های موجود (به خصوص برای تشویق مشارکت کارگران بخش غیررسمی، با وجود در دسترس بودن محصولات خاص در بازار)، در سال ۲۰۰۴ دولت هند با معرفی یک سیستم جدید به نام طرح بازنشستگی ملی<sup>۳</sup> (NSP) مشارکت کارمندان دولتی در دولت مرکزی (که پس از سال ۲۰۰۴ مشغول به کار شده‌اند) را الزامی اعلام کرد. اگرچه برای کارمندان دولت (در نواحی غیر مرکزی) و دیگر شهروندان هند مشارکت در این طرح داوطلبانه است. یکی از ویژگی‌های اصلی این سیستم هزینه پایین آن است. هدف از این امر تشویق افرادی است که به دلیل هزینه بالا تحت پوشش نظام تأمین اجتماعی کشور نیستند.

1. . collective pension funds

2. . enterprise annuity

3. National Pension Scheme

این سیستم از دو حساب تأمین مالی می‌شود؛ حساب درجهٔ یک اجازه برداشت زودرس قبل از بازنشستگی را ندارد، در حالی که حساب درجه دو قابل برداشت بوده و فاقد مشوق‌های مالیاتی است. کاربران در سن ۶۰ سالگی مجاز به دریافت مزایای بازنشستگی هستند. صندوق بازنشستگی تنظیم مقررات و سازمان توسعه<sup>۱</sup> (PFRDA) در سال ۲۰۰۳ به عنوان یک جزء اساسی از اصلاح سیستم بازنشستگی تأسیس شد. PFRDA سازمانی تخصصی است که مسئول نظارت و کنترل بر صندوق‌های بازنشستگی هند را دارد. به عنوان مثال هرگاه مؤسسات مالی قصد انجام کسب و کار مرتبط با حقوق بازنشستگی داشته باشند، نیاز به تأیید از PFRDA دارند. زیرساخت‌های موجود به منظور استقرار سیستم جدید همگی با هدف کاهش هزینه‌های گسترش پوشش طراحی شده‌اند. در سال ۲۰۰۶ بانک توسعه آسیا<sup>۲</sup> (ADB) در گزارشی مردم را به پیوستن به سیستم NSP تشویق کرد. بر اساس گزارش ADB این سیستم برای کسانی قرار داده شده است که قادر به صرفه‌جویی و پس‌انداز کردن هستند. هدف از این سیستم حمایت از خانواده‌های بخش غیررسمی است که در دوران بازنشستگی ممکن است دچار فقر شوند.

در کنیا (وی‌هو ۲۰۰۹) سیستم بازنشستگی از سه قسمت تشکیل شده است:

(۱) سیستم عمومی که توسط صندوق ملی تأمین اجتماعی<sup>۳</sup> (NSSF) اداره می‌شود، (۲) طرح‌های شغلی داوطلبانه با مدیریت خصوصی و (۳) طرح‌های بازنشستگی فردی. کارمندان دولتی توسط یک طرح خدمات مدنی جداگانه تحت پوشش قرار می‌گیرند. ترتیبات بازنشستگی مربوط به بخش غیررسمی برای کارگران بخش غیررسمی، تلاش کشور برای پوشش بیمه است. به عنوان مثال، صندوق ملی تأمین اجتماعی از سال ۲۰۰۴ افراد شاغل، معامله‌گران، افراد خویش‌فرما و برخی کارگران بخش غیررسمی را پوشش می‌دهد. در حال حاضر در کنیا ۱۴ طرح بازنشستگی فردی وجود دارد که برای استفاده از مزایای سازمان بازنشستگی از مردم ثبت نام می‌کنند. همهٔ آنها طرح مشارکت<sup>۴</sup> هستند و عمدتاً توسط شرکت‌های بیمه ارائه شده‌اند. پوشش پایین بازنشستگی یکی از چالش‌های بزرگ دولت کنیا است. به منظور افزایش پوشش و تشویق بیشتر جمعیت سالمند برای پیوستن به سیستم

1. Pension Fund Regulatory and Development Authority

2. Asian Development Bank

3. National Social Security Fund

4. Defined Contribution

بازنشستگی رسمی مقامات دو نکته را مورد توجه قرار می‌دهند: اول پرداخت حداقل حقوق بازنشستگی جهانی به افراد بیش از ۶۵ سال؛ دوم معرفی طرح‌های فردی در قالب مشوق‌های مالیاتی در حمایت خانواده و کمک خرید خانه.

در آفریقای جنوبی (وی هو ۲۰۰۹) سیستم بازنشستگی متشکل از یک لایه عمومی، یک سیستم داوطلبانه حقوق بازنشستگی شغلی و نوعی ترتیبات پس‌انداز شخصی داوطلبانه می‌شود. کارگران بخش غیررسمی توسط سیستم بازنشستگی عمومی پوشش داده شده‌اند که به عنوان منابع مالی اصلی برای این گروه به شمار می‌رود. حقوق بازنشستگی در ۶۰ سال برای زنان و ۶۵ سال برای مردان قابل پرداخت است.

به‌منظور افزایش پوشش بازنشستگی، دولت آفریقای جنوبی در نظر دارد یک سیستم بازنشستگی اجباری برای همه کارگران شاغل در بخش رسمی معرفی کند. هدف اصلی این پیشنهاد اطمینان از سطح پایه درآمد بازنشستگی برای همه اهالی آفریقای جنوبی است. به همین ترتیب، به‌طور خاص برای کارکنان بخش غیررسمی، دولت به ایجاد یک صندوق پس‌انداز ملی فکر می‌کند. این صندوق برای نیازهای کارگران بخش غیررسمی طراحی شده است و کمک‌های انعطاف‌پذیرتر با سخت‌گیری کمتری را در بر می‌گیرد.

در انگلستان (وی هو ۲۰۰۹) سیستم حقوق بازنشستگی برای کارگران، درآمد بازنشستگی نسبتاً متوسطی را فراهم می‌کند. تحت سیستم بازنشستگی انگلستان کارکنان بخش غیررسمی عمدتاً توسط بازنشستگی پایه دولتی یا ترتیبات بازنشستگی شخصی پوشش داده شده‌اند. در سال ۲۰۰۶ حقوق بازنشستگی عمومی دولت در هر هفته متناسب با نرخ تورم تنظیم شده است.

با وجود در دسترس بودن، ترتیبات بازنشستگی در بازار، سهام‌داران و دیگر محصولات بیمه خصوصی مورد علاقه کارگران بخش خصوصی نیست. وزارت کار و بازنشستگی در سال ۲۰۰۶ طرح خاصی را در مورد رسیدگی به چالش‌های پیش روی سیستم بازنشستگی انگلستان راه‌اندازی کرد. این طرح پیشنهادی برای تشویق استقرار حقوق بازنشستگی در میان افراد خویش‌فرما و یا کسانی که پس‌انداز نمی‌کنند، برقرار شد. در انگلستان حدود ۷ میلیون نفر برای بازنشستگی خود پس‌انداز نمی‌کنند. باتوجه به مشاهدات، دولت انگلستان یک حساب شخصی را پیشنهاد می‌کند که در آن افراد به صورت خودکار در طرح عضو می‌شوند. این سیستم به سیستم پس‌انداز ملی بازنشستگی معروف است.

## ۳-۳- سیاست‌های پیشنهادی

### ۳-۳-۱- سیاست‌های تشویقی

**سیاست رفع بیکاری:** توصیه می‌شود که دولت در رفع معضل بیکاری - به عنوان یکی از عوامل اصلی اثرگذار بر رشد بخش غیررسمی - اقدامات لازم را به عمل آورده و ترجیحاً این سیاست‌ها به صورت ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها صورت بگیرد. همچنین بهتر است که از توزیع سرمایه به صورت خرد خودداری گردد، زیرا این خود عاملی برای حضور سرمایه‌ها در فعالیت‌های غیررسمی اقتصاد است.

**سیاست بهبود فضای کسب و کار:** ایجاد امنیت اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار که سبب کوچک‌شدن بخش غیررسمی می‌شود می‌تواند عامل تاثیرگذاری بر ترغیب افراد به حضور در بخش‌های رسمی و قانونی اقتصاد باشد (شکیبایی و شادمانی ۱۳۹۱).

**سیاست کاهش محدودیت‌های تجاری:** یکی از راهکارهای پیش‌گیری از فعالیت‌های غیررسمی در جهان کاهش محدودیت‌های قانونی است. محدودیت‌های تجاری نیز در کشورهای در حال توسعه یکی از عوامل اصلی گسترش قاچاق کالا است. با کاهش محدودیت‌های تجاری از قبیل سهمیه‌بندی‌ها، تعرفه‌های بالا و غیره می‌توان با کاهش هزینه فعالیت‌های رسمی از حجم فعالیت‌های قاچاق و غیررسمی کاست.

**سیاست مالیات بر ارزش افزوده:** در این میان اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده<sup>۱</sup> (VAT) به عنوان مهمترین پایه مالیاتی (به همراه نرخ‌هایی که مشوق فعالیت در بخش‌های رسمی هستند) به عنوان منبع درآمد‌های دولت از اهمیت زیادی برخوردار است. پایه گسترده این نوع مالیات و نرخ پایین و یکسان آن از ویژگی‌های بارز این نوع مالیات است و انتظار بر این است که با اجرای صحیح آن، فعالیت‌های اقتصادی در بخش رسمی تشویق گردند (ابریشمی و مهرآرا ۱۳۸۶).

**سیاست مهار تورم:** با افزایش تورم عده زیادی زیر خط فقر قرار می‌گیرند که این افراد ممکن است برای تأمین معاش خود به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورند. بنابراین

1. Value Added Tax

یکی از زیان‌های نامرئی تورم بزرگ کردن اندازه بخش غیررسمی است. کاهش تورم با اعمال سیاست‌های پولی مناسب و تقویت سمت عرضه از طریق افزایش بازدهی تولید، یکی از راه‌های برخورد با بخش غیررسمی است.

**سیاست رشد درآمد سرانه:** از آنجاکه مبتنی بر ادبیات اقتصاد غیررسمی رشد درآمد سرانه اثر دوگانه‌ای را بر بخش غیررسمی بر جای می‌گذارد، سیاست‌هایی که اجرای آنها به رشد تولید ناخالص داخلی منجر شود، می‌تواند اندازه بزرگ‌تر بخش غیررسمی را هم به همراه داشته باشد. از این‌رو سیاست‌گذاران باید به موازات طراحی و اجرای چنین سیاست‌هایی، در پی خنثی ساختن این اثر ناخواسته باشند یا آن گروه از سیاست‌های انبساطی را تجویز نمایند که بر بخش غیررسمی اثر انقباضی داشته باشد (همانند کاهش نرخ مالیات) (عرب مازار، ۱۳۸۰).

به عنوان مثالی از سیاست‌های این حوزه، در غنا پس از بررسی عوامل مؤثر بر بخش غیررسمی و تحلیل داده‌ها مشخص شد که مسن‌ترها، مجردها، تحصیل‌کرده‌ها و کارگران با درآمد بالا احتمال بیشتری برای مشارکت در این صندوق‌ها دارند. علاوه بر آن سیاست آموزش به منظور افزایش مشارکت در پوشش تأمین اجتماعی به کار بسته شد (آدزوالا<sup>۱</sup> ۲۰۱۵). در کشورهای آسیایی - باتوجه به جمعیت بالایی که به سنین سالخوردگی می‌رسند - برای مقابله با خطر فقر در سنین بالا، نرخ تخفیف بالاتر حق بیمه (به عنوان سیاست‌های تشویقی برای افزایش مشارکت در صندوق‌ها) ارائه می‌شود (مک کلر<sup>۲</sup> ۲۰۰۹). در آمریکای لاتین کار کردن در اقتصاد غیررسمی، خویش‌فرما بودن و یا کار کردن در شرکت‌های کوچک عواملی بود که افزایش مشارکت در صندوق‌ها را کاهش می‌دادند. بنابراین بهبود بازار کار را در دستور سیاست‌گذاری‌هایشان قرار دادند (توئستا<sup>۳</sup> ۲۰۱۴).

به عنوان مثالی دیگر در اروگوئه به طور قابل‌توجهی با اصلاح مراقبت‌های بهداشتی و تبدیل به استخدام رسمی کارگران بخش خصوصی با حداقل یک کودک نسبت به افرادی که بچه ندارند، در حدود ۱,۱ و ۱,۳ درصد تغییر در نرخ غیررسمی اتفاق افتاد. علاوه بر آن به طور متوسط این اصلاحات ۵ درصد احتمال کار در بخش غیررسمی را کاهش داد (فرولیک ۲۰۱۴).

- 
1. Adzwalla
  2. McKeller
  3. Tuesta



**سیاست اجتناب از جهش در بار مالیاتی:** از آنجا که افزایش ناگهانی بار مالیاتی موجب رشد بخش غیررسمی در ایران می‌شود، با توجه به چشم‌انداز برنامه پنجم توسعه اقتصادی (باید از وابستگی دولت به درآمد نفتی کاسته شده و درآمد مالیات‌ها منبع اصلی درآمد دولت شود)، می‌توان پیشنهاد نمود که سیاست افزایش بار مالیاتی به صورت تدریجی برای اجتناب از افزایش حجم بخش غیررسمی به کار رود (ابونوری و نیک پور ۱۳۹۳).

**سیاست قوانین و نظارت دولت:** بهبود سیستم انتظامی به‌ویژه در موارد مربوط به جرایم اقتصادی، نیز توصیه می‌شود. این امر از طریق کنترل و نظارت بیشتر، همگام با اصلاح برخی مقررات و قوانین میسر می‌گردد. حضور سیستم انتظامی کارآمد، هزینه حضور در فعالیت‌های غیررسمی را افزایش داده و از این طریق به کاهش عملیات مجرمانه و جرایم اقتصادی منجر می‌شود (شکیبایی و شادمانی ۱۳۹۱).

**سیاست کاهش حجم دولت:** کاهش اندازه دولت از طریق کم کردن تصدی‌گری دولتی، کاستن بوروکراسی ناکارآمد و خصوصی‌سازی انگیزه‌گرایش به فعالیت‌های بخش غیررسمی را کم می‌کند. بهتر است دولت به جای تأکید بر وضع قوانین سخت‌گیرانه به کیفیت و اجرای درست قوانین موجود اهمیت بیشتری دهد. از طرفی شایسته‌سالاری و نظارت دقیق دولت بر اجرای مؤثر قوانین و جلوگیری از فساد اداری، در کاستن اندازه بخش غیررسمی مؤثر است (نقی نژاد و نیک پور ۱۳۹۲).



سیاست		سال	سیاست‌های به کار رفته برای کاهش بخش و یا سیاست پیوستن به صندوق‌ها غیررسمی	نام کشور
نتیجه (داده‌های بانک جهانی)	نوع			
شاخص نسبت فقر به قیمت‌های بین‌المللی بر اساس سال پایه ۲۰۱۱ در سال ۱۹۹۵ معادل ۶۳٫۵٪ جمعیت کل است که این شاخص در سال ۲۰۰۰، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و به ترتیب معادل ۶۰٪، ۵۱٫۶٪ و ۴۳٫۷٪ و حاکی از کاهش فقر در طی این سال‌ها است.	سیاست تشویقی	۱۹۹۸ و ۲۰۰۰	طرح گرامین حقوق بازنشستگی و سیستم اعطای وام برای مردم فقیر	بنگلادش
شاخص نسبت فقر به قیمت‌های بین‌المللی برای سال پایه ۲۰۱۱ در سال ۱۹۹۶ معادل ۳٫۴٪ جمعیت کل است که این شاخص در سال ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ به ترتیب معادل ۱٫۷٪، ۱٫۷٪، ۱٫۳٪ و ۰٫۹٪ و حاکی از کاهش فقر در طی این سال‌ها است.	سیاست تشویقی	۲۰۰۸	۱. ایجاد یک سیستم بازنشستگی همبسته برای پس‌انداز حقوق بازنشستگی ۲. اصلاح حقوق بازنشستگی و پیوستن به حساب بازنشستگی فردی ۳. به‌منظور ترویج مشارکت کارکنان جوان پیشنهاد یارانه به کارگران کم درآمد	شیلی
شاخص نسبت فقر به قیمت‌های بین‌المللی برای سال پایه ۲۰۱۱ در سال ۱۹۹۶ معادل ۴۲٫۱٪ جمعیت کل است که این شاخص در سال ۱۹۹۹، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ به ترتیب معادل ۴۰٫۵٪، ۱۸٫۸٪، ۱۴٫۷٪ و ۱۱٫۲٪ و حاکی از کاهش فقر در طی این سال‌ها است.	سیاست تشویقی	۱۹۹۷ و ۱۹۹۹	۱. استقرار صندوق‌های بازنشستگی جمعی که به طور مستقیم شرکت‌های کوچک و متوسط را هدف می‌گیرد ۲. سیستم تنظیم‌کننده بیمه که شرکت‌های بیمه را برای ارائه محصولات مناسب تشویق می‌کند قرار می‌دهد	چین

Δ جدول ۶: سیاست‌های کشورهای موفق در پیوستن بخش غیررسمی به صندوق‌های تأمین اجتماعی

سیاست		سال	سیاست‌های به کار رفته برای کاهش بخش و یا سیاست پیوستن به صندوق‌ها غیررسمی	نام کشور
نتیجه (داده‌های بانک جهانی)	نوع			
شاخص نسبت فقر به قیمت‌های بین‌المللی برای سال پایه ۲۰۱۱ در سال ۲۰۰۴ معادل ۳۸,۴٪ جمعیت کل است که این شاخص در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ به ترتیب معادل ۳۱,۴٪ و ۲۱,۳٪ و حاکی از کاهش فقر در طی این سال‌ها است. همچنین شاغلین بخش غیررسمی در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ به ترتیب ۸۳,۵٪، ۸۳,۶٪ و ۸۴,۷٪ شاغلین کل به غیر از بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند	سیاست تشویقی	۲۰۰۳ و ۲۰۰۴	طرح بازنشستگی ملی (NSP) از ویژگی‌های اصلی این سیستم هزینه‌پایین آن است که در نتیجه، در نظر دارد افرادی که در هیچ کدام از طرح‌های بازنشستگی نیستند را تشویق به مشارکت کند.	هند
- نتایج یافت نشد	سیاست تشویقی	۲۰۰۴	اول یک ستون تعریف شده است که حداقل حقوق بازنشستگی جهانی را به افراد بیش از ۶۵ سال بدهد دوم طرح‌هایی فردی برای ایجاد یک ستون در قالب مشوق‌های مالیاتی در حمایت خانواده و خرید یک خانه ارائه شده است.	کنیا

△ ادامه جدول ۶.

سیاست		سال	سیاست‌های به کار رفته برای کاهش بخش و یا سیاست پیوستن به صندوق‌ها غیر رسمی	نام کشور
نتیجه (داده‌های بانک جهانی)	نوع			
شاخص نسبت فقر به قیمت‌های بین‌المللی برای سال پایه ۲۰۱۱ در سال ۱۹۹۵ معادل ۳۴٫۹٪ جمعیت کل است که این شاخص در سال ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ به ترتیب معادل ۳۵٫۲٪، ۲۳٫۱٪، ۱۵٫۱٪ و ۱۶٫۶٪ حاکی از کاهش فقر در طی این سال‌ها است.	سیاست تشویقی	—	سیستم‌بازنشستگی اجباری برای همه کارگران شاغل در بخش رسمی برای کارکنان بخش غیررسمی دولت ایجاد یک صندوق پس انداز ملی را پیشنهاد می‌کند.	آفریقای جنوبی
پس‌انداز ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۶ معادل ۱۶٫۲٪ از GDP است که در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ به ترتیب معادل ۱۳٫۶٪ و ۱۵٫۶٪ می‌شود.	سیاست تشویقی	۲۰۰۶	طرح پیشنهادی برای تشویق استقرار حقوق بازنشستگی در میان افراد خویش فرما و یا کسانی که پس انداز نمی‌کنند	انگلستان

△ ادامه جدول ۶.

### ۴-۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بسیاری از کشورهای جهان شکل‌گیری بخش غیررسمی به دلایل مختلف اجتناب‌ناپذیر است. دلیل این امر، گستره بالایی را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال هزینه مبادله بالای ثبت شرکت‌ها می‌تواند یکی از دلایل این رویداد باشد. ساختارهای نامناسب در بازار کار نیز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود. این ساختارهای نامناسب امکان ورود به بازار کار در بخش رسمی را دشوار کرده و در نتیجه، کشورهای در حال توسعه به ناچار با بخش غیررسمی روبرو می‌شوند.

اجتناب‌ناپذیر بودن شکل‌گیری بخش غیررسمی الزاماً به معنای عدم پوشش بیمه‌ای

نیست. به بیان دیگر، کشورهایی که با بخش غیررسمی روبرو می‌شوند، به جای از میان بردن این بخش، سعی در تحت پوشش قرار دادن نسبی آن دارند. این کشورها با ارائه مزایای عضویت و یا افزایش هزینه عدم عضویت در بخش غیررسمی انگیزه قرار گرفتن تحت پوشش نظام بیمه‌ای کشور را افزایش می‌دهند. به عنوان مثال بانک گرامین بنگلادش با اجرای طرح گرامین حقوق بازنشستگی، سالمندان خارج از پوشش نظام بیمه‌ای را به عضویت تشویق می‌کند.

سیاست‌های به کار رفته به دو گروه کلی قابل تقسیم هستند: از یک طرف سیاست‌هایی قرار دارند که شرایط شکل‌گیری و گسترش بخش غیررسمی را کنترل می‌کنند. به عنوان مثال دولت‌ها با اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی و یا سیاست‌های بهبود فضای کسب و کار هزینه پیوستن به بخش رسمی را کاهش می‌دهند. در حضور رشد تولید سرانه، بخش غیررسمی جذابیت خود را از دست می‌دهد. لذا سیاست‌های رشد آفرین نیز به نحوی به کاهش بخش غیررسمی می‌انجامد. اگرچه، این نتیجه منوط به در نظر گرفتن آثار افزایشی رشد تولید سرانه بر بخش غیررسمی است.

از طرف دیگر برخی سیاست‌های اجرا شده به طور مشخص بخش غیررسمی را هدف قرار می‌دهند. این سیاست‌ها جنبه تشویقی و یا تنبیهی دارند. سیاست‌های تنبیهی شامل بازرسی‌های ناگهانی، مالیات‌ستانی بالاتر و یا جریمه‌های فزاینده می‌شود. در مقابل سیاست‌های تشویقی با ارائه امتیازها و معافیت‌های مختلف سعی در ایجاد انگیزه برای خروج از بخش غیررسمی دارند. اگرچه، برخی از سیاست‌های تشویقی به جای خروج از بخش غیررسمی تنها برای فعالین این بخش امکان قرار گرفتن در پوشش نظام بیمه‌ای را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به امکان عضویت در پوشش خدمات درمانی کارکنان بدون ثبت رسمی اشاره کرد.

۱. ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن، و هبیتی، نازلی (۱۳۸۶). بررسی واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۷۹(۲): ۱۸-۱۰.
۲. ابونوری، اسمعیل و نیک‌پور، عبدالحامد (۱۳۹۳). اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۷(۴): ۹۰-۱۷.
۳. احمدی، اکبر (۱۳۸۱). برآوردی از اقتصاد سیاه در ایران با استفاده از منطق فازی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. ۳: ۱۲۵-۱۴۶.
۴. احمدی، رضا (۱۳۸۲). برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران با روش MIMIC. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
۵. اسفندیاری، علی اصغر و جمال‌منش، آرش (۱۳۸۱). اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی. *پژوهشنامه اقتصادی*. ۶(۳): ۴۸-۱۳.
۶. بایا حیدری، سعید (۱۳۸۰). ارزیابی و اندازه‌گیری مهم‌ترین عوامل اثر گذار بر اشتغال در بخش غیررسمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. *دانشگاه اصفهان*.
۷. تقی‌نژاد عمران، وحید و نیک‌پور، معصومه (۱۳۹۲). اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه موردی ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۸(۴): ۵۳-۷۲.
۸. جعفری صمیمی، احمد و اکبری، محسن (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۵۷-۸۸). *اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران*.
۹. رئیس جعفری مطلق، رسول (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تأمین مالی در نظام تأمین اجتماعی مطالعه موردی: اثر تورم بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده اقتصاد.
۱۰. سلیمی‌فر، مصطفی و کیوانفر، محمد. اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن. *مجله دانش و توسعه*، ۳۳(۴): ۲۷-۱۰.
۱۱. شکیبایی، علیرضا و رئیس‌پور، علی (۱۳۸۶). بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC. *پژوهش‌های اقتصادی*، ۶(۳): ۳۶-۱۷.
۱۲. شکیبایی، علی‌رضا و شادمانی، قاسم (۱۳۹۳). برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۱۳۴۹-۸۶) با استفاده از مدل سازی فازی چند مرحله‌ای. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴(۱): ۷۷-۵۹.
۱۳. صادقی، حسین و شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰). فرار مالیاتی و اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران (با روش اقتصادسنجی فازی). *نامه مفید*، ۲۷(۳): ۷۶-۵۵.
۱۴. صادقی، حسین و شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۲). مدل سازی اقتصاد زیر زمینی با روش منطق فازی. *تحقیقات اقتصادی*، ۶۲: ۱۷۵-۱۹۴.



۱۵. صامتی، مجید، سامتی، مرتضی و دلایی میلان، علی (۱۳۸۸). برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران (۸۴-۱۳۴۴): به روش MIMIC. *مطالعات اقتصاد بین الملل*، ۲۰(۳۵): ۸۹-۱۱۴.
۱۶. قنبری، علی و مخزن موسوی، سیدهدای (۱۳۹۰). رویکرد منطقی فازی برای مدل سازی اقتصاد زیرزمینی در ایران. *پژوهشنامه اقتصاد*، ۱۱(۳): ۹۱-۱۱۳.
۱۷. عبدلی، قهرمان (۱۳۸۴). اقتصاد تأمین اجتماعی در ایران؛ مطالعه موردی منابع بیمه ای. *پژوهش های اقتصادی ایران*. شماره ۲۵ (علمی-پژوهشی) ۸۲-۶۵.
۱۸. عرب مازار یزدی، علی (۱۳۸۰). اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر. *نشریه برنامه و بودجه (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور)*.
۱۹. علیزاده، هانیه و غفاری، فرهاد (۱۳۹۲). برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه علوم اقتصاد*، ۲۵(۴): ۳۱-۶۹.
۲۰. عمادزاده، مصطفی و رفیعی طباطبایی، زهرا (۱۳۹۱). تحلیلی پیرامون اقتصاد زیرزمینی و عوامل مؤثر بر آن در منتخبی از کشورهای توسعه یافته. *فصلنامه اقتصاد کلان*، ۷(۱۳): ۸۳-۹۶.
۲۱. مداح، مجید و نوع ایران، فروغ السادات (۱۳۹۱). ارزش اقتصاد غیر رسمی در ایران بر مبنای متغیرهای زیست محیطی، رهیافت فیلتر کلن. *فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی*، ۳(۱۰): ۱-۲۰.
۲۲. مهدوی، مهدی (۱۳۸۵). حساب های ملی سلامت. *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره ۲۴، ۴۵-۸۰.
۲۳. مهرابی بشرآبادی، حسین، کوچک زاده، سکینه، و تابلی، حمید (۱۳۹۱). آیا اقتصاد سایه ای رشد اقتصادی را تهدید می کند؟ (مطالعه موردی: کشور ایران). *پژوهش های اقتصادی (پژوهش های رشد و توسعه پایدار)*، ۱۲(۴): ۱۸۱-۱۹۸.
۲۴. نادران، الیاس و صدیقی، حسن (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۸۲-۱۳۵۱). *تحقیقات اقتصادی*، ۴۳(۸۵): ۲۸۲-۲۵۷.
۲۵. نصرالهی، زهرا و طالعی اردکانی، سمانه (۱۳۹۱). تخمین اقتصاد سایه ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا مطالعه موردی: اقتصاد ایران. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۲(۴): ۲۷-۵۴.
۲۶. نیلی، مسعود و ملکی، منصور (۱۳۸۵). اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی. *فصلنامه علمی و پژوهشی شریف*، ۳۶(۴): ۴۵-۵۶.
27. Adzawla, W. Azumah Baanni, S. Fianko Wontumi, R (2015). Factors Influencing Informal Sector Workers' Contribution to Pension Scheme in the Tamale Metropolis Of Ghana. *Asian Economic and Social Society*. ISSN (P): 8295-2309, ISSN (E): 4226-2225





28. Bouev, M (2000). Official Regulation and the Shadow Economy: A Labor Market Approach. William Davidson working paper .(524).
29. Coppejans, M (2000). Breaking the Curse of Dimensionality, mimeo, *Department of Economics*, Duke University.
30. Frölich, M. Kaplan, D. Pagés, C. Rigolini, J. Robalino, D (2014). Social Insurance, Informality and Labor Markets *Oxford University Press*. page 66,227,112,411
31. H.Fleming M. John R. and Graham F (2000). The Shadow Economy. pp 409-387
32. Hosseini, A, Nasrollahi, Z, Abtahi, S. Y (2015). Estimation of Underground Economy in Iran and its Relationship with Financial Development: Application of ARDL. *Journal of Novel Applied Sciences*, 70-361 :(32)4.
33. MacKellar, L (2009). Pension Systems for the Informal Sector in Asia. Human Development Network, the *World Bank* Washington, DC, SPDISCUSSIONPAPERNO.0903.
34. Schnider, F. & Enste, D (2000). Shadow Economies : Sizes, Causes and Consequences. *The Journal of Economic Literature*. Vol ,38 no.1.
35. Schneider, F, Buehn, A & Karmann, A (2009). Shadow Economy and Do-it-Yourself Activities: The German Case. *Journal of Institutional and Theoretical Economics*,,(4)165 722-701.
36. Schneider, F.(2012), " The Shadow Economy and Worrk in Shadow : What Do We(Not) Know?" ,Johannes Kepler , University of Linz and IZA ,Discussion Paper ,No , 73-1 , 6423.
37. Silverman, B. W (1986). Density Estimation for Statistics and Data Analysis. *Chapman and Hall*, London.
38. Tanzi, V (1986). The underground economy in United States: Reply to Comments by Feige, Thomas, and Zilberfarb; IMF Staff Papers.





39. Thomas, J. J. R. and Siesto V. (1997). Informal Economic Activity, Translated and Summarized by K. Sepehri K. and M. Nourbakhsh, Tehran: Institute of Monetary and Banking research.

40. Tuesta, D (2014). The Informal Economy and The Constraints That it Imposes on Pension Contributions in Latin America. BBVA RESEARCH. Working Paper, Nº 19/14.

41. Wei Hu, Yu. Stewart, F (2009). Pension Coverage and Informal Sector Workers International Experiences. OECD Working Paper on Insurance and Private Pensions. No. 31.

۴۲. تعاریف عیباً به نقل از p 126, 1993, System of National Account آمده است.

۴۳. سازمان تأمین اجتماعی، معاونت اقتصادی و برنامه ریزی، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی، متغیرهای کلیدی سازمان تأمین اجتماعی

۴۴. مرکز آمار ایران

۴۵. بانک جهانی

